

...وخلق، پایدار و استوار است

بیانیه حزب کمونیست عراق

برای گسترش مبارزه در صفوف متحد و همبستگی استوار با توده‌های مردم و کلیه میهن‌دوستان در ارتش، برای سرنگون ساختن رژیم دیکتاتوری و خاتمه دادن به جنگ

صفحه ۲

* یا باید با تحمل مشکلات و دشواریهایی که دشمن اصلی، شیطان بزرگ - آمریکا بر ما تحمیل می‌کند، بی‌تزلزل به پیش، بسوی دستیابی به استقلال و آزادی و ترقی پیشرویم، یا به‌احیای دوران پرادبار و تیره گذشته کمک رسانده‌ایم.

قلمی این کارزار توفنده، ازبای نخواهد نشست.

سخنان امام خمینی، طنین‌عزم و اراده زحمتکشان و محرومان را داشت که آینده را از آن خویش می‌دانند و با دشواریها از همین زاویه رو بر رو میشوند: پایداری و استقامت امروز، پیروزی فردا را نصیب ما خواهد کرد.

امام خمینی، درس‌خان خویش، تلاشیهای خائنه کسانی را که می‌کوشند از گناه کبیره بی‌سازند و با دم مسوم خویش در قلب و روح مردم بدمند و آنها را نسبت به ادامه راه انقلاب دل‌سرد سازند، بقیه در صفحه ۲

بازار و جنبش‌ها را به حفظ دستاوردهای انقلابی، که در واقع ثمره خون آنها و برای فرزندان آنهاست، دعوت کرده‌اند. ندای امام خمینی، که علی‌رغم جنجالهای قدرت‌طلبانه اقتدار و طبقات برآینده، بدون هیچ تزلزل شعله امید به فردا را در قلب مردم شعله‌ور کرده و محروم میهن‌ما فروزان نگه میدارد، از ایمان و اعتقاد به نیروی توده‌های میلیونی سرشار است و آینده را از آن او میداند؛ طنین آرمانهای خلق زحمتکشی است که سالهاست برای کسب استقلال و آزادی و نیل به یک زندگی انسانی، رزمیده است و بیشک تا فرجام

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در مقابل خانواده‌های شهیدای نیروی هوایی، همه مردم را به پایداری، استقامت و استواری درقبال مشکلات فراخوانده و آنها را به پیروزی نوید دادند. رهبر انقلاب، در چند سخنرانی اخیر خویش، چون روح بزرگ یک انقلاب توفنده، که برای فتح عرصه‌های فردا، به اوج چنگ می‌اندازد از آینده روشن سخن گفته‌اند، مشکلات و دشواریها را در قبال هدف سترگ استقلال و آزادی، خوارشمرده‌اند، بر کوه‌نظران جاسوس طلب خشم گرفته‌اند و زحمتکشان کوچک و

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۱۵
یکشنبه ۲۳ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۲۷ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

در ۲۴ ساعت ۱۲ دیماه، طبق اطلاعیه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

۵ انبار مهمات و ۱۱ تانک دشمن نابود شدند

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره ۳۵۶ خود وضع جبهه‌ها و عملیات رزمندگان انقلاب را تا آخر وقت ۱۲ دیماه، به این شرح اعلام کرد:

۱- دیروز (۱۲ دیماه) در آتش‌نروهای رزمنده اسلام در منطقه مارد و محور آبادان - ماهشهر پنج دستگاه تانک، چهار دستگاه خودرو، سه سنگرشماره انداز و سه انبار مهمات دشمن منهدم گردید و بیش از ۲۳ نفر از افراد ارتش عراق کشته و زخمی شدند. در این عملیات ۱۱ نفر از نیروهای خودی شهید و ۳۸ نفر مجروح گردیدند. بقیه در صفحه ۲

نامه آقای ابوالقاسم صادق به «نامه مردم»

در روزنامه «جمهوری اسلامی»، مورخ ۱۱-۱۰-۵۹، نامه آقای ابوالقاسم صادق، سرپرست حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی، به نامه «مردم» در پاسخ به مقاله نامه «مردم» زیر عنوان «حفظ تشریفات حزب توده ایران فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی است» مندرج در شماره ۴۰۶، مورخ ۸-۱۰-۵۹، بجا رسیده است. متأسفانه چنین نامه‌ای تاکنون به نامه «مردم» نرسیده است. ولی برای آنکه تاخیری در درج نامه آقای ابوالقاسم صادق به نامه «مردم» روی ندهد، ما این نامه را از روزنامه «جمهوری اسلامی» عیناً نقل می‌کنیم:

سرپرست روزنامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران در رابطه با مقاله «حفظ تشریفات حزب توده ایران فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است» که در شماره ۴۰۶ مورخ دوشنبه ۸ دیماه ۱۳۵۹ در صفحه اول آن تشریح درج گردید پاسخ زیر را در همان صفحه بر اساس قانون مطبوعات مصوب بیستم مرداد ماه هزار و سیصد و پنجاه هشت درج نمائید.

حزب توده ایران هدفی جز سرنگون کردن نهائی دولت بر حق جمهوری اسلامی ایران و برقراری یک سیستم کمونیستی در این کشور ندارد و در این راه پیروی ظاهری از امام و حمایت ظاهری از انقلاب تنها در رابطه با آن هدف‌نهایی است. اگر در راه مبارزه با امپریالیسم غرب و شرق دو قطره خون در بدن من باقی مانده باشد اولین قطره را در راه مبارزه با امپریالیسم غرب و آخرین قطره را در راه مبارزه با کمونیسم خواهم داد.

ابوالقاسم صادق
سرپرست حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی

سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری و جنبش تعاونی در ایران

آنجا که تجار بزرگ بفکر تشکیل شرکتهای تعاونی می‌افتند!

حیله جدید سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری در ضربه زدن به نظام تعاونی و حفظ منافع و مواضع غارتگرانه خود.

سرمایه بزرگ تجاری و تعاونی‌ها در شهر خود بر بازار ایران، یکی از عوامل عمده و اساسی جلوگیری از فعالیت تعاونی‌ها بوده است. هر جا که عمده‌ای حقوق و مزد بگیر، چه بقیه در صفحه ۲

بیش از یکماه پیش، در تاریخ ۱۱ آذر ۵۹، رفیق فروغ‌الدین ابراهیمی از مسئولین حزب توده ایران و روح‌الله نظیری از هواداران حزب توده ایران، در اردبیل، به این علت که کاغذ ضعیف‌تر اختیار دارند، لذا ممکن است ماشین فتوکپی هم داشته باشند (!) از سوی دامنرای انقلاب این شهرستان بازداشت شدند و متأسفانه هنوز پس از گذشت یکماه به این بهانه غیرمنطقی، در بازداشت بسر می‌برند. ما ضمن اعتراض مجدد به این عمل غیر-قانونی، خواستار آزادی فوری این رفقا هستیم.

چند یادآوری

۱. آقای ابوالقاسم صادق در تاریخ ۶ دیماه در یک مصاحبه مطبوعاتی یا روزنامه کیهان، پیرامون لایحه جدید مطبوعات، از جمله خواستار آن شده بود که «کمسیون رسیدگی به امتیازها»، امتیاز تشریفات را که برخلاف راندهای اولیه‌شان قدم بر میدارند، لغو نماید. آقای ابوالقاسم صادق سپس «مثلاً از حزب توده ایران و ارگان مرکزی آن، نامه «مردم» نام برده بود. وی در همین مصاحبه حزب توده ایران را «وابسته» نامیده بود.

۲. نامه «مردم» در تاریخ ۸ دیماه ۵۹، طی مقاله‌ای تحت‌عنوان «حفظ تشریفات حزب توده ایران بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است» در دفاع از حق قانونی خود و در رد اقتضای آقای ابوالقاسم صادق، از جمله نوشت: «در شرایطی که «اتقلابیو جمهوری اسلامی ایران در آستانه بقیه در صفحه ۲

دو نوع برخورد در برابر ابوطوطه هفتم امپریالیسم آمریکا

۱- هشیارکن
«امکان حمله مستقیم نظامی آمریکا، مثل ماجرای طیس هست»
(حجت‌الاسلام خامنه‌ای - نماز جمعه ۵ دی ۱۳۵۹)
دولت آمریکا علنی‌تر از هر موقع دیگری با جمهوری اسلامی ایران وارد جنگ میشود، زیر پوشش اینکه ایران میخواهد برای حل مسأله گروگانها باج بگیرد. (نخست‌وزیر - در حضور سفرای کشورهای خارجی - ۶ دیماه ۱۳۵۹)

۲- خواب‌کن
«بعضی از مستند نشینان که به گفته‌های امام ایمان ندارند، احياناً به ترس از آمریکادچار شده‌اند، بدین گمان باطل‌اند که آمریکا قادر است به ایران حمله نظامی کند... و این خیال باطلی است، زیرا آمریکا قادر به حمله نظامی به ایران نیست».
(میزان - ۱۳ دی ۱۳۵۹)

در صفحات بعد

تلگرام جامعه روحانیت خوزستان
به حضرت آیت‌الله منتظری:

کارگران و زحمتکشان ایران مدافعان پیگیر میهن انقلابی

کله‌مندی شما از کم‌تحرکی و بارکود جبهه‌ها منعکس کننده فریاد رزمندگان این جبهه بود

صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

... و خلق ...

بقیه از صفحه ۱

محکوم کردند و نیروهای راه، که در تار و پود زندگی حقیر امروز گرفتارند و بجای تلاش برای دستیابی به آینده پرشکوه و آزاده، با غرغریهای فرساینده و پوساننده در قبال دشواریهای انکارناپذیر، به انقلاب زیان می-رسانند و به دشمن کمک می-کنند، نصیحت کردند.

آری، امام خمینی درست می-گویند: دشواریها را نمی-توان انکار کرد، اما این دشواریها را دشمن اصلی، شیطان بزرگ- آمریکا بوجود آورده است، تا ما را از کوشش برای دستیابی به فردای روشن و پرشکوه و آزاده مایوس گرداند و به ذلت و خواری وابستگی و اسارت دیرروز، بازگرداند. بیستکشی شیطان بزرگ - آمریکا برای پیشبرد این هدف شوم خود، به فعالیت مزدوران خویش و نیز نیروهای متزلزل که از کوچکترین دشواریها به هراس می-افتند و کلابه و شکوه سر میدهند، بسیار امید بسته است. اما خلق انقلابی ما، میلیونها زحمتکش که انقلاب را روی شانه‌های خودینا نهاده‌اند و تایحال سخت‌ترین دشواریها را برای حفظ، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب متحمل شده‌اند، بیکاری، گرانی، فشار بیش از حد زندگی و گرسنگی، راه، به امید پیروزی، پذیرا گشته‌اند، در مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، خود و فرزندان خویش را

سرمایه‌های بزرگ...

بقیه از صفحه ۱

فدا کرده‌اند و بانیرویلایزال خود انقلاب را به پیش می-برند، یا پایداری و استقامت بیشتر رهنمود امام خمینی را پذیرا خواهند شد.

خلق انقلابی و زحمتکش ما، استقامت و پایداری خود را نشان داده‌است. آینده از آن اوست، اما برخی کسان در این راه دشوار از پای نشستند، به نفس نفس- زدن افتادند، به افتادن پنجم تردید و یاس و ناراضی پرداختند و یا در تار و پودام فسون شیطان بزرگ - آمریکا گرفتار شدند. از این خیل و اخوردگان، آنان که منافع خویش را در گذشته می-جویند و تنها برای پیشبرد اهداف شیطان بزرگ - آمریکا استقامت می-ورزند، سرکارشان با قهر خلق است، اما بختی از اینان، که در پیروزی قطعی و نهائی انقلاب، و نه اعاده دوران پیشین، ذینفع‌اند، ولی دشواریها و توطئه‌ها آنها را خسته کرده و از گذشته تیره و پر اوبار غافل ساخته است، طعمه مناسبی برای دام ضدانقلابند، که با تمام قوا برای ساقط کردن انقلاب ایران می-کوشند.

سرمایه بزرگ تجاری و تعاونی‌های روستائی

زمینه دیگر فعالیت مخرب سرمایه بزرگ وابسته تجاری، جلوگیری از رشد تعاونی‌های مصرف، تهیه و تدارک کالاهای تولیدی مورد لزوم آنان و فروش محصولات دهقانان در شهرها بود. سرمایه بزرگ وابسته تجاری تا اعماق دهات را زمینه مناسب غارت و استثمار خود می-دانست. به همین جهت در برابر تعاونیهای مصرف، توزیع مواد ضروری بین روستائیان و فروش محصولات آنان از طریق شبکه تعاون در شهرها، با تمام قوا مخالفت می-ورزید. در مخالفت با تعاونیهای روستائی، سرمایه بزرگ وابسته تجاری گذشته از نیروی مخرب سرمایه، از مالکیت‌های صمد ارضی کمک می-گرفت، که بخشی از آن در دست خودش متمرکز بود.

شیوه‌های مخالفت سرمایه بزرگ تجاری با تعاونیها

سرمایه بزرگ وابسته تجاری در فعالیت خرابکارانه خود علیه تعاونیها، چه در شهر و چه در روستا، بدو طریق اقدام می-کرد: اول از طریق استفاده از دستگاه حاکمه بورژوا - ملاک و با استفاده از اهرهای سیاسی - دولتی، هر نوع امکان فعالیت را از شرکتهای تعاونی سلب می-کرد، این شرکتهای را از استفاده از وامهای دولتی، شرکت موثر در بازرگانی داخلی و خارجی، که بسود آنها بود، محروم نگاه می-داشت، و بالاخره با وضع قوانین ضد تعاونیها، آنها را نسبت به سرمایه‌های خصوصی در موضع نا برابر قرار می-داد. دوم اینکه با وابسته کردن تعاونیها بخود، از لحاظ دریافت کالا و فروش جنس و انجام خدمات، مانع از تقویت بنیه مالی تعاونیها می-گردید، تعاونیها را ورشکست می-ساخت و به اعتماد عمومی، دامن می-زد. بدینگونه تعاونیها می-توانند از منافع اعضای خود، هم از مصرف کنندگان عادی و یا پیشه‌وران و اسنایف جزء و دهقانان، دفاع کنند، ضربه شدید وارد می-آورد.

سر نوشت تعاونی‌ها در ایران

نتیجه مجموعه فعالیت خرابکارانه سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری آن شد که، با اینکه نهضت تعاونی در اواخر قرن حاضر به کشور ما رسوخ کرده، معذالک تا هم‌اکنون نتوانسته پایبند سرمایه‌های تعاونی و قدرت اقتصادی آنها در جامعه طاغوتی، در مقایسه با قدرت سرمایه‌های بزرگ خصوصی وابسته، بقدری اندک بود که هیچ اثری نمی-توانست در بهبود زندگی جامعه داشته باشد. تلاشهای فوق‌العاده زیادی از جانب زحمتکشان شهر و روستا و توده عظیم مزد و حقوق‌بگیران برای دفاع از منافع مادی خود، در برابر هجوم غارتگرانه سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری بعمل آمد. لیکن حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیست‌ها بر کشور و سلطه مطلق و بلامنازع سرمایه بزرگ وابسته تجاری بر بازار ایران، مانع عمده و اساسی در راه توسعه جنبش تعاونی و مزایای آن در دفاع از منافع طبقات زحمتکش و اقشار متوسط جامعه بود.

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و اقتصادی تعاونی

با پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و ویژه با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که در آن اقتصاد تعاونی رکن دوم اقتصاد ملی ایران شناخته شده و پس از رکن اقتصاد دولتی ارجحیت آن بر بخش خصوصی قانونی گردیده، و همچنین با توجه به اینکه ضمن تصویب اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، زمینه مساعد و مناسبی برای توسعه و تقویت تعاونیها فراهم گردیده، البته وضع با سابق، بسود تعاونیها، تغییر اساسی پیدا کرده است. اکنون جنبش تعاونی، در جهت تقویت بخش تعاونی اقتصاد ملی، می-تواند از شکوفائی جالبی برخوردار گردد.

تعاونی‌ها و منافع زحمتکشان و اقشار میانی

میلیونها زحمتکش شهر و روستا، از طریق تشکیل در تعاونیهای مصرف، اعتبار، مسکن، تهیه مواد اولیه و فروش کالاهای تولیدی می-توانند نه تنها در بازرگانی داخلی، بلکه در بازرگانی خارجی نقش فائق ایفا کنند. ایجاد تعاونیها در همه سطوح می-تواند از منافع زحمتکشان و طبقات و اقشار دستمزد و حقوق‌بگیر در برابر زیادطلبی

نامه «مردم» روز دوشنبه منتشر نمیشود

و آزمندی سرمایه‌داران بزرگ وابسته دفاع بعمل آورد، دامنه غارت سرمایه‌های وابسته تجاری را در شهر و روستا محدود کند، امر تدارک و توزیع کالاهای مصرفی را با قیمت‌های مناسب به‌نظم درآورد، مصرف‌کننده شهری را از شر واسطه‌های غارتگر نظیر سلفرخ و میدان‌دار نجات دهد و مصرف‌کننده روستائی را از غارت پیله‌ور و سرمایه‌های ربائی و تجاری طفیلی برهاند. تعاونیها می-توانند در تامین مسکن شهری یا محصولات کشاورزی و تامین مسکن روستاها یا محصولات صنعتی و در موارد مشخص صدور کالاهای داخلی، مانند قالی به‌خارج و واردات کالاهای ضروری از خارج در برابر صادرات سستی و نظائر آن نقش فوق‌العاده مهم ایفا کنند.

امکان رشد و توسعه تعاونی‌ها در جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران با نقش عظیمی که قانون اساسی برای اقتصاد تعاونی در نظر گرفته و آن را دومین رکن اقتصاد ملی، پس از بخش دولتی، شناخته، امکانات عظیمی برای رشد و توسعه جنبش تعاونی و فراگیری آن فراهم آمده است. باید از همه این امکانات در جهت تامین منافع واقعی توده زحمتکشان در برابر تهاجم سرمایه‌خصوصی استفاده بعمل آورد و جنبش تعاونی را به‌سود پیروزی قطعی انقلاب از هر جهت تقویت کرد.

تعاونی‌ها و حیلۀ سرمایه بزرگ تجاری

در همین حال باید توجه داشت که جنبش تعاونی اصالت خود را بعنوان جنبشی که هدف آن غارتگری و یکه‌تازی سرمایه نیست، بلکه دفاع از منافع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان خرده‌میل شهر و روستائی است، حفظ کند. در این مورد بویژه باید متوجه فعالیت سرمایه‌های غارتگر وابسته بود که، چون اکنون با نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران مواجه شده‌اند، به منظور حفظ موجودیت و ادامه غارتگری، حتی از آن ابا ندارند که خویش را زیر پوشش شرکت‌های تعاونی پنهان سازند. در این زمینه از تلاشهای عداوتی از بزرگترین تجار باید نام برد که در صورت اجرای اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی، می‌خواهند با تشکیل شرکتهای تعاونی و زیرپوشش آنها، همچنان بازرگانی خارجی را در انحصار خود نگاه دارند.

حنای تجار بزرگ بی‌رنگ است

در برابر مخالفت سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری با ملی کردن بازرگانی خارجی و حیلۀ جدید آنها برای حفظ مواضع خود، باید گفت که سابقه بیش از یک قرن تسلط سرمایه بزرگ وابسته تجاری بر بازرگانی خارجی معرف کامل آنست که چه بلاهای مهلکی نظیر عقب‌ماندگی رشد صنعتی و کشاورزی و وابستگی اقتصاد ایران به دول امپریالیستی بوسیله سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری بر کشور ما نازل شده است. پایان دادن به این بلاها ممکن نیست، مگر آنکه از سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری خلعید بعمل آید. و اصل ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا شود. خوشبختانه نمایندگان انقلابی مجلس شورای اسلامی به این واقفیت و قوف کامل دارند و به‌مانوریت خطیر خود در تحقق هر چه زودتر اصل ملی کردن بازرگانی خارجی واقفند.

باید اصالت تعاونی‌ها با کمال قوا و دقت حفظ شود

اما در آنچه که مربوط به پنهان‌شدن سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری زیر پوشش شرکت تعاونی است، باید در این زمینه به ارگانهای دولت انقلاب، بویژه وزارت بازرگانی و وزارت کار هشدار داد که با تمام قوا از نفوذ سرمایه‌های بزرگ پدخال تعاونیها جلوگیری کنند و نظام تعاونی‌ها، چنانکه پایه و اساس آن مقرر می‌دارد، نه بر مبنای سرمایه، بلکه بر پایه تعاون و برابری و همبستگی بنا گذارند. حفظ منافع زحمتکشان و طبقات و اقشار مزد و حقوق‌بگیر جامعه انقلابی ما تشکیل چنین تعاونی‌هایی را می‌طلبد و نه تعاونی‌هایی که سرمایه‌داران بزرگ در آنها جای گیرند و جنبش تعاونی را بسود منافع آزمندانۀ سرمایه‌داری وابسته و بزبان انقلاب تغییر ماهیت دهند.

رشد تعاونی‌ها مستلزم خلعید از سرمایه بزرگ وابسته تجاری است

سرمایه بزرگ وابسته تجاری، ضمن آنکه دشمن استقلال اقتصادی و سیاسی کشور، به معنی واقعی کلمه است، و اهرم عمده عقب‌ماندگی اقتصادی ایران در دو قرن گذشته بشمار می‌آید، هم چنین مانع اصلی در راه پیشرفت جنبش تحریکات تعاونی است، که حافظ منافع زحمتکشان شهری و روستائی و طبقات و اقشار خرده‌میل و میانه است. منافع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما ایجاب می‌کند که از سرمایه بزرگ وابسته تجاری هر چه زودتر خلعید بعمل آید و اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و تکیه بر نظام تعاونی، که میلیونها زحمتکش و اقشار خرده‌میل و متوسط را در خود متشکل کند، هر چه زودتر به اجرا گذاشته شود.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

فدا کرده‌اند و بانیرویلایزال خود انقلاب را به پیش می-برند، یا پایداری و استقامت بیشتر رهنمود امام خمینی را پذیرا خواهند شد.

خلق انقلابی و زحمتکش ما، استقامت و پایداری خود را نشان داده‌است. آینده از آن اوست، اما برخی کسان در این راه دشوار از پای نشستند، به نفس نفس- زدن افتادند، به افتادن پنجم تردید و یاس و ناراضی پرداختند و یا در تار و پودام فسون شیطان بزرگ - آمریکا گرفتار شدند. از این خیل و اخوردگان، آنان که منافع خویش را در گذشته می-جویند و تنها برای پیشبرد اهداف شیطان بزرگ - آمریکا استقامت می-ورزند، سرکارشان با قهر خلق است، اما بختی از اینان، که در پیروزی قطعی و نهائی انقلاب، و نه اعاده دوران پیشین، ذینفع‌اند، ولی دشواریها و توطئه‌ها آنها را خسته کرده و از گذشته تیره و پر اوبار غافل ساخته است، طعمه مناسبی برای دام ضدانقلابند، که با تمام قوا برای ساقط کردن انقلاب ایران می-کوشند.

بپوش یا بشیم! بدون تحمل دشواریها و بدون پیسودن راه- های سنگلاخ، دستیابی به استقلال و آزادی و ترقی ممکن نیست. توقف در میانه راه، کاستن از نیروی پیش‌رونده خلق و کمک به تلاش شیطان بزرگ - آمریکا برای بازگرداندن «نظم» پیشین است.

پایدار، یگانه و استوار باشیم. پیروزی از آن ماست!

۶- میدله آتش توپخانه بین تیرهای خودی و دشمن متجاوز در شوش و جسر نادری ادامه داشت ولی وضع جبهه‌های جنگی در اندیشک نسبت به روزهای قبل آرام بوده است. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با موفقیت تعدادی از سنگرهای دشمن را در جاده آبادان- اهواز و آبادان-ماهشهر و همچنین خودرورهای دشمن در جنوب سوسنگرد را به میزان هشتاد درصد نابود کردند. همچنین منابع نفتی و تلمبه‌خانه جلفایه عراق را مورد حمله قرار داده و آنها را به آتش کشیدند.

۷- دیروز با آتش نیروهای جانباز اسلام بر مواضع مزدوران عراقی در منطقه سومار، چهار سنگر گروهی و تعدادی سنگر انفرادی دشمن نابود گردید و حدود ۲۵ نفر از افراد ارتش عراق کشته و زخمی شدند.

۹- درگیری در ارتفاعات شورشیرین، کانی‌سخت، کنجان-چم، ملک‌شاهی، سرنی و امیرآباد بین نیروهای خودی و دشمن ادامه داشته و چهارمأمندانهای خودی در محور کانی‌سخت موفق شدند یک قبضه تیربار ضد هوایی یک منبع آب، یک منبع سوخت و نه سنگر گروهی دشمن را منهدم و افراد آنها را به هلاکت رسانندند.

۱۰- مهاجمین مسلح روز گذشته (۱۲ دیماه) پاسکامیلیش راه میاوندآب را مورد حمله قرار دادند که بر اثر درگیری یکسنگر درجه‌دار مجروح و تعدادی از افراد مسلح غیرقانونی کشته و زخمی شدند. همچنین مهاجمین به یگان ارتشی مستقر در منطقه پیرانشهر حمله کردند و دوتن از سربازان را مجروح کردند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

انبار مهمات...

بقیه از صفحه ۱

همچنین در اثر آتش یگانهای رزمندۀ جمهوری اسلامی ایران به مواضع دشمن متجاوز در جاده آبادان-حارخوین دو انبار مهمات دشمن نابود شد.

۲- دیروز (۱۲ دیماه) علیرغم آنکه قطعی از شهر اهواز زیر آتش توپخانه دوزخ دشمن قرار گرفت و به تعدادی از منازل مسکونی خساراتی وارد آمد و یک نفر شهید و یک نفر مجروح شد، توپخانه جمهوری اسلامی ایران در این منطقه با اجرای آتش موثر توپخانه روی مواضع دشمن شش دستگاه تانک، پنج دستگاه لودر و بیلمکانیکی و پنج دستگاه خودرو دشمن را منهدم و حدود ۸۴ نفر از افراد متجاوز عراقی را کشته یا زخمی کردند.

۳- پیروزی (۱۱-۱۰-۵۹) تیرد بین تیرورهای رزمندۀ اسلام و دشمن کافر در اطراف رود کارون ادامه داشت و توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران مناطق کورت‌لرین و امام‌الرحمن را زیر آتش شدید خود گرفتند.

۴- دیروز (۱۲-۱۰-۵۹) توپخانه دشمن شهرستان دزفول را هدف قرار داد که چهار خانه مسکونی منهدم شد و ۲ نفر غیر نظامی مجروح گردیدند. در همین منطقه بر اثر تیراندازی نیروهای خودی یک دستگاه خودرو و مقدار زیاد از مهمات دشمن نابود شد.

۵- رزمندگان دلیر اسلام مواضع دشمن را در منطقه سوسنگرد زیر آتش گرفتند و تلفاتی به آنان وارد آوردند. در این جبهه بر اثر اصابت گلوله دشمن یک نفر از افراد بسیج مجروح شد.

بیانیه حزب کمونیست عراق

جنگ تجاوزکارانه‌ای که پانده دیکتاتوری علیه ایران همسایه برافروخته، داخل ماه سوم خود شده، بیانشده و حیثیتهای ادامه دارد و با قربانیا و ویرانی‌ها و آلام و مصائب روزافزونی برای مردم ما و مردمایران دوست همراه است.

بدینسان، این ماجراجویی جنایتکارانه به صورت یکجنگ دامنه‌دار و درازمدت درآمد سرخلاف آرزوها و حسابهای برافروزدگان آن، که خواب نیل به یک پیروزی مسلوس و سریع را میدیدند تا انزوی کاملشان را تضعیف دهد، اعتبار رژیم متزلزلشان را بالا برد و خوابهاییکه راجع به زعامت و توسعه طلبی میدیدند، تحقق یخشد.

در نتیجه این درگرونی، اینجنگ شکل یکجنگ فرسایشی تمام با خسارات وحشتناک جانی و مالی و جنگ افزاری بخود گرفت و

انگیزه‌های واقعی این ماجراجویی جنایتکارانه آگاه بودند و بهین جهت به محکوم کردن آن و ایراز تفر نسبت به آن مبادرت ورزیدند و تقلب بودن ادعاها و شمارهای راه، که این رژیم جهت تیره و توجیه جنگ ابراز می‌داشت، افتنا و رسوا کردند، ادعاها رژیم مبنی بر کوشش برای استقرار مجدد سیادت و حاکمیت ملی بر اراضی عراق

و آبهای آن نیز یاشک و تردید مشروع مواجه شد. اینجنگ جنایتکارانه، از لحاظ مقدمات و تعیین وقت آن هدفهای مقتضانه‌اش تا کید میکند که دست زدن به این ماجراجویی خونین چیزی نیست جز حاصل منطقی و ادامه طبیعی مجموعه خدمتی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ملیتاتی این گروه فاشیست مستبد، ایدئولوژی نژادپرستی و شوونیستی آن، هینستی و ارتباطهای مشکوک آن با ارتجاع عرب و دوایر امپریالیستی و آژندبهای یسورژوازی طفیلی آن، و این همانست که بیانیه حزب ما مورخ ۲۴ ر ۱۹۸۰ (۲۷ ر ۱۳۵۹) که در روز بعد از افروختن جنگ

به صورت یکجنگ دراز مدت، و نه برق آسا، درآمد. پانده ماجراجویباروش تجاوزکارانه و توسعه طلبانه، با شروط زورگویانه و منویات اعلان شده دایر به ازین بردن انقلاب ایران و تجزیه آن و ضمیمه کردن بخشهای از ایران به عراق، راه بازگشت به سوی حسل مسالمت آمیز اختلاف را قطع کرد.

بدین ترتیب، بعلم تحول جنگ - که صدام حسین و پانده تروریستی او برافروختند به جنگی که احتمالا یک مدت طولانی ادامه خواهد داشت، و به سبب اصرار تجاوزگر بر ادامه جنگ و تحمیل شروط خود بوسیله زور و

قدرت، وضع فوق العاده مفرح و خطرناکی بوجود آمده است.

ولی آن تایین که احلام و آرزو- های طغوت و پانده او را بر یاد داده و عظمت خساراتیکه رژیم متفرد شده آنها دارد پشتش در زیر سنگینی بار آن خم میشود آنها را به توسل جستن به واسطهها و دوندگی برای آتش بس مجبور ساخته است.

مردم در کشورما و درجهان، و آنهاست که جریان جنگ را تقیب کرده اند، متوجه شده اند که دوندگی افروخته این جنگ و پانده او جهت آتش بس، فقط نتیجه خوبی است که بر آنها غلبه کرده، نتیجه آن عواقب

صادر شده، بر آن تکیه کرده است. و اینک جریانات جنگ در خلال دو ماه گذشته تا کید میکند که این جنگ بخاطر آن برپا شده، تا در مسیر هدفهای تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا قرار گیرد و به نقشه‌های آن در منطقه، از جمله ازین بردن انقلاب ایران و تلاش جهت سرنگونی نظام دشمن با امپریالیسم در ایران خدمت کند، این جنگ بر جنایت و تجاوز نظامی آمریکائی شکست خورده در آوریل گذشته، برده کشید، این جنگ دستاویز و بهانه اضافی به امپریالیسم آمریکا و همیمانان او بخشید، تا نیروهای نظامی بیشتری را در خلیج و دریای عرب متمرکز کنند، تسلیات و پایگاههای نظامی در چند

جنگ تجاوزکارانه رژیم دیکتاتوری عراق علیه ایران، مورد حمایت امپریالیسم اسرائیل و رژیم‌های مرتجع و دست نشانده منطقه است.

کشور منطقه بدست آورند و مانورهای نظامی در دریای عمان و در نزدیکیهای سواحل ایران، بعنوان حفظ منافع حیاتی امپریالیسم آمریکا در خلیج و تامین صدور نفت از گذرگاه تنگه هرمز، اجرا کنند. به بهانه جلوگیری از سرایت جنگ عراق و ایران به دیگر دولتهای تولیدکننده نفت در خلیج، ایالات متحده و همیمانان ناتوی آن امکان یافتند که تجمع ناوهای جنگی مجهز به سلاحهای اتمی و ناوهای هواپیمابر، که شماره آنها بالغ بر (۶۰) فروداست و بر فراز آنها بیش از ۲۰

و خیمی است که، در صورت ادامه جنگ، رژیم استبدادی‌شان را تهدید میکند. همانطور که ظاهر موزرانه این تروریست به مصالحه با ایران، جز یک تریاکاری متفحصانه نبود که میخواست بوسیله آن، خشم و نفرت توده‌ها و نیروهای مسلح راه، پس از آنهمه فجایع قربانیها و ویرانیهای فراوانی که ذرات ماجرا - جوئیهای خونین او بر کشور وارد آمده است، تسکین دهد.

توده‌های محروم ما در عراق و کلیه نیروهای میهن دوست در وطن عربی، از

هزار تن سرباز و بیش از ۳۰۰ هواپیما قرار دارند، توجیه کنند، این جنگ فرصتی برای ایالات متحده فراهم آورد، تا به بهانه مقتضح حمایت فضای عربستان سعودی و مناطق نفتخیز از هجوم ناگهانی، هواپیماهای «آراکر» به عربستان سعودی بفرستد. همچنین امپریالیسم آمریکا، از فرصت استفاده کرد، تا حمایت موهوم خود را به دیگر کشورهای خلیج پیشنهاد کند و حضور نظامی خود را در عمان و سومالی و بحرین و کشورهای از این قبیل تقویت نماید.

بسیب جنگ عراق و ایران، توجه از توطئه کمپدیوید منحرف گردید و واشنگتن و تل آویو و قاهره این فرصت را مفتقم شمردند، تا در راه تقویت پایگاههای نظامی و نقشه‌های جنگی - که اخیرا شکل عملیات تمرینی برای نیروهای فواکش سریع آمریکا در اراضی مصر را بخود گرفتند و گذاردن پایگاهها و بناذرو فرودگاههای نظامی مصر در اختیار نیروهای آمریکائی و تمرکز نیروهای نظامی در مرز لیبی و اعلان سادات خائن دایر به آمادگی خود جهت عمل مشترک با نیروهای آمریکائی، برای مداخله در کشورهای خلیج و تحریک برای اشغال نظامی آنها، گامهایی برداشته شود.

اسرائیل نیز به نوبت خود از این فرصت بهره برداری کرد و عزم خود را مبنی بر انضمام ارتفاعات جولان سوریه به خود اعلام داشت، تجارزات خود به لبنان و عملیات قلع و قمع علیه مردم عرب در ساحل یاختری و نوار غزه را تسدید کرد و با تلاش برای جلب توجه انظار جهانیان به سوی میدان جنگ عراق و ایران، کوشش برای تبرئه خود از تجاوز و از مسئولیت تشنج در منطقه را آغاز کرد.

این جنگ به ارتجاع عرب فرصت داد تا به جنبه پایداری تعرض کند، مبارزه خلقهای عرب علیه توطئه کمپ دیوید را تضعیف نماید و برای خنثی کردن مقررات کنکره رباط تلاش ورزد و رژیم دست نشانده اردن را به عنوان نماینده خلق عرب فلسطین، به جای نماینده قانونی و یگانه آن - سازمان آزادیبخش فلسطین - معرفی کند.

بدین ترتیب، پانده حاکم (برعراق) با ماجراجویی خود در برپا کردن جنگ علیه ایران، خدمت آشکاری به نیروهای امپریالیستی و تجاوزگران صهیونیستی و ارتجاع عرب کرد. پس کدام منافع میهنی یا قومی را میتوان بعنوان دستاویز برای برپا کردن این جنگ جزا و چگونه برای احدی ممکن است که ادعاها این پانده در مخالفت موهوم با نقشه‌های امپریالیستی و تمرکز نیرو- های آن، مخالفت با میمان کمپ دیوید و تجارزات اسرائیل و رژیمهای دست نشانده و ارتجاعی در وطن عربی را باور کند؟

حوادثی که در اثنای تدارکات برای این جنگ و همزمان با آن رخ داده، مواضع واقعی گروه حاکم در بغداد را آشکارا افشا کرد. این تدارکات مقرون بود با انعقاد قرارداد با رژیمهای دست نشانده و ارتجاعی در اردن و عربستان سعودی و عمان و سومالی و دیگر کشورهای خلیج. این جنگ در هاکنگی تام و تمام با مواضع خصمانه این دولتها علیه انقلاب ایران و اقدامات مهاکنک آنها یا امپریالیسم و تمرکز نیروهای نظامی و نقشه‌های دشمنانه آن

برای توطئه کمپ دیوید و تجارزات امپریالیسم و صهیونیسم علیه خلقهای عرب و تسلط امپریالیسم آمریکا بر منطقه. بدینسان پانده حاکم در بغداد راضی شد که بوسیله و آلتی در دست امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی و دست نشانده در منطقه بدل شود آشکارا از تمهیدات ادعائی خود مبنی بر دفاع از حقوق خلق عرب فلسطین، مبارزه علیه تجاوزگران صهیونیست و شرکت در مبارزه آزادیبخش ملی علیه امپریالیسم

برای توطئه کمپ دیوید و تجارزات امپریالیسم و صهیونیسم علیه خلقهای عرب و تسلط امپریالیسم آمریکا بر منطقه. بدینسان پانده حاکم در بغداد راضی شد که بوسیله و آلتی در دست امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی و دست نشانده در منطقه بدل شود آشکارا از تمهیدات ادعائی خود مبنی بر دفاع از حقوق خلق عرب فلسطین، مبارزه علیه تجاوزگران صهیونیست و شرکت در مبارزه آزادیبخش ملی علیه امپریالیسم

و نقشه‌های تجاوزگرانه آن، شانه‌خالی کرد. پانده حاکم در بغداد يك کاتون جدید تشنج را در منطقه بوجود آورد و تمهیدات خود را بعنوان یکی از دولتهای غیر متعهد یا خضوت نقش کرد و عدم شایستگی خود را برای مهندسازی کفرانس سران آن در بغداد آشکار ساخت.

ادعاهای صدام حسین دایر به اینکه قصد جنگ با ایران را نداشت، در حقیقت یک دروغ مقتضحانه است. واضح است که تدارک برای این ماجراجویی، از هنگام ترزل تخت شاه و اوج گرفتن موج انقلاب ایران، جریسان داشت، بطوریکه عناصر مرتد از بقایای رژیم شاه، از قبیل ژنرالها و قوادلها، پناه داده شدند و مداخله در امور داخلی

انقلاب ایران برای پانده دیکتاتوری حاکم در بغداد کابوس است.

ایران و راندن دهها هزار نفر از هم - میهنان عراقی به ایران، به بیانه اینکه ایرانی‌الاصل هستند، انجام گرفت. و بالاخره اعتراضهای خوددیرپاکننده جنگ و نطقها و تدارکات قبل سیاسی و روانی برای این جنگ و اوج دادن موج خصومت دیوانه وار نسبت به انقلاب ایران در دستگاههای تبلیغاتی رسمی، همه اینها کذب ادعای عدم رغبت به افروختن جنگ را افشا میکند.

اینجنگ همچنین یک انگیزه مهم از انگیزه‌های متمدد برای افروختن آنرا اقتضاء میکند که عبارتست از خوف و وحشتی که پانده دیکتاتوری و شرکای آنرا در عربستان سعودی و خلیج و غیره در اثر انقلاب ایران فرا گرفته بوده

زیرا یک خلق بی سلاح، در یک پیکار قهرمانانه، خروشیده، تا پایه‌های رژیم شاهنشاهی مسلح به تمام معنی کلمه و دستگاههای قلع و قمع و حیثیته‌اش را درهم گوید و تخت طاوت را بدوراندازد. کابوس انقلاب خلقی ایران، پانده دیکتاتوری را برای نجات از سرنوشته نظیر برانگیختن و او را با شدت برای ماجراجویی و جنگ، به امید زنده بگردد کردن انقلاب ایران و ازین بردن نمونه توده‌ای آن و خاموش کردن تاثیر انقلابی آن در توده‌های خلق، کشاند.

در مرحله‌ای بعد از پیروزی انقلاب خلقی در ایران، بروز برخی پدیده‌های منفی، رژیم دیکتاتوری و رهبری آنرا فریفت، تا به امید پیروزی برق آسا، دست

به جنگ بزنند. بویژه که رژیم از روی برخی پدیده‌های منفی و اختلافات داخلی و موضعگیریهای زیانمند نسبت به نیروهای چپ و حقوق خلقهای غیر - فارس در ایران و همچنین موضعگیری غلط نسبت به کشورهای سوسیالیستی چنین می‌پنداشت که انقلاب ایران يك شکار سهل و ساده خواهد بود. ولی پانده حاکم، که امور را با میمازهای بویژه خود می‌سنجید، توانست یک حقیقت آشکار را درک کند، و آن عبارتست از اینکه،

بقیه در صفحه ۷

کارگران و زحمتکشان ایران مدافعان پیگیر میهن انقلابی

کارگاه خوب بری رحیم صدیقی نزدیک بیل محمدحسن خان بابل واقع است. تولید اصلی این کارگاه "جعبه" است که برای بسته بندی میوه مورد استفاده قرار میگیرد.

در این کارگاه کارگران و بیرونی یک کارگروما صاحب کارگاه و بیرونی مردی که در میان توده های خوب سرگردان است، دیده می شود. صاحب کارگاه آقای رحیم صدیقی، مرد میان سالی است که مشغول تیز کردن لوله بلند و گردی استلباس از خاکاره به زردی گراعیده، از چهره اش پیداست که انسان زحمتکشی است و او به سئوالان زحمتکاره جنگ تحمیلی رژیم صدام و بالابردن تولید اینگونه یا سخ داد:

"ما میتوانیم باید این بعمیها را تا بود کنیم و از میهن خود بیرون کنیم. آنها کودکان معصوم ما را در مدارس بمباران میکنند، باید آنها را در هم بکوبیم. از همین کارگاه یک نفر از کارگران ما، که منقذ خدمت ۵۶ بود، به جبهه جنگ رفته. اگر ما اجازه بدهند، صدام خائن را بر این ارضها قطع، قطع می کنیم. در باره بالارفتن تولید، رحیم صدیقی گفت: "ما میخواهیم و باید تولید"

دولت هم باید وسایل مورد نیاز ما را ارزان تر بکند. ما هم تولید را افزایش خواهیم داد. حالا ما ۷ ساعت در روز کار می کنیم، ولی آن موقع بیشتر و حتی جمعه ها را هم کار خواهیم کرد.

رحیم صدیقی درباره کوبنی شدن بعضی از کارگاهها، مانند قند و شکر، گفت: "خیلی خوب شده، برای اینکه قیمتها همه جا یکسان است و سرمایه دارها دیگر نمی توانند احتکار کنند. مثلا شکر قیمتش ۴ تومان شده بود، ولی حالا همه جا ۲۴ ریال بفروش میرسد. اگر دیگر کارگاهها مانند روغن و گوشت و برنج و غیره را هم کوبنی نکنند، این صورت تا تونی است و دیگر گوشت را کیلویی ۵۳ تومان

را با لایبریم. در حال حاضر تولید روزانه ما ۱۰۰ جعبه است. بعضی مواقع برای دیگران خوب هم آره می کنیم. یک هفته پیش میخ را یک کارتون ۲۷۰ تومان می خریدیم، حالا کارتون ۳۱۵ تومان شده است. آره ها را ۲۰ تومان می خریدیم، ولی حالا ۳۱۰ تومان شده. دستفروشان میتوانند از ما جعبه نخرند و به جای آن از نایلون که ارزانتر است استفاده کنند. در آمد ما بسیار کم است. پار سال قیمت جعبه ۷ تومان بود، الان هم ما آنرا ۷ تومان می فروشیم. به علت وضع نامساعد برق و اینکه یک دستگاه بیشتر نداریم و گرانتر تولید بیشتر برای ما مشکل است. با وجود همه این مشکلات، ما حاضریم تولید را تا آنجا که ممکن است با لایبریم. البته

نمی خیریم." محمدعلی محمدی، کارگر ساده، خوب بری رحیم صدیقی است و حدود ۲۲ سال دارد. او یک کدو ورتاست و به علت اینکه الان وقت کشاورزی نیست در این کارگاه مشغول بکار گردیده. او درباره جنگ تجاوری رژیم صدام علیه ایران و بالابردن تولید چنین گفت:

"این صدام وحشی و بدتر از هیتلر، بیما رستا نهاده و ما را بمباران میکند. ما باید تسلیم نشویم و آنقدر باید بجنگیم تا عراقیهای متجاوز را از خاک میهن خود بیرون کنیم."

محمدعلی محمدی درباره تولید بیشتر گفت: "ما دوبرادر هستیم با

یک مادر پیر، جمعا ۲۵۰۰ متر زمین داریم. الان برادرم بیکار است و من اینجا کار می کنم. چون الان زمستان است و فصل کشاورزی نیست، ما باید بیشتر تولید کنیم و به دولت کمک کنیم که عراق را شکست دهد. ما باید کار را زودتر بکنیم. برای بالابردن تولید من حاضرم حتی روزهای جمعه را هم کار بکنم.

محمدعلی محمدی درباره وضع گران و مقدار حقوق و ساعات کارش گفت: "ما روزانه ۷ ساعت کار می کنیم و بعضی وقتها که برق نیست ساعات کار کمتر است. روزانه ۴۲۰ ریال حقوق می گیریم. میدانید که الان زمان جنگ است و سرمایه دارها از این موقعیت سوء استفاده می کنند و کارگاهها را احتکار می کنند و ما میزنند. با این وضع گران، من باید با این حقوق ۴۲۰ ریال زندگی خود را بچرخانم."

درباره کوبنی شدن بعضی از کارگاهها مانند قند و شکر، گفت: "خیلی خوب شده، مخصوصا برای ما کارگرها. قیمتها پایین آمده و همه جا یکی است. دولت باید گوشت و برنج و میوه را هم کوبنی کند. اینطوری خیلی خوب میشه."

غفور حسین زاده نوری پیرمردی که لباس سیاه و چشمان کود افتاده اش، کاسی از غم و اندوهی بزرگ است که بر قلب پر دردش سنگینی می کند، نزدیک می شود و لب به سخن می کشاید:

"من غفور حسین زاده نوری نکبشان مهد کودک سر بیل محمد حسن خان بابل هستم. مرا از تاریخ ۵۹/۷/۱۶ بازنشسته کرده اند. بمن میگویند سن حقوقی ۶۰ سال گذشته است. جمع تاوقه که درآمده اند، ۲۶۳۴۴ ریال با پدیمین بدهند، ۱۶۴۶۸ ریال است. ولی قرار است حق اولاد را از من کسر کنند و در این صورت حقوقم ۱۶۴۶۸ ریال خواهد شد. حال من اینجا هستم و سعی میکنم به اندازه حداقل پول سیگارم، در آمدی بدست آورم. میخواهند مرا با فرزندانم و یک همسر از خانه ای که در آن سکونت دارم و سرایداری مهد کودک را میکنم، بیرون کنند. من با این حقوق نمیتوانم بروم. اگر راه نشینی، بمن می گویند، تو بازنشسته شده ای و باید بروی و اگر نروی، پاسدار میا و ریمو اثاثیه را بیرون میریزیم. من میگویم به من خانه ای برای سکونت بدهید تا من هم از اینجا بروم."

غفور حسین زاده نوری در باره جنگ رژیم صدام علیه ایران گفت:

"من یکی از پسرهای به نام حسن حسین زاده نوری در جبهه جنگ شهید شده. جسد را هم پیدا نکرده اند. (اشک) ها پیش را با دستمال پاک میکند و ادامه میدهد) پسر دیگرم علی حسین زاده نوری، ۲۰۱۰ روز میشود که به جبهه جنگ رفته. او ادامه داد:

"باید همگی همت کنیم و صدام خائن را خفه کنیم و ایران را بیرونی کنیم. یک پسر را در راه امام حسین شهید داده ام، پسر دیگرم راهب میدان نبرد فرستاده ام. باید بجنگیم و پیروز بشیم و کشور ما آزاد بشه و اجازه ندهیم که دیگر به ما زور بکنند."

غفور حسین زاده نوری در باره کوبنی شدن کارگاهها نظیر قند و شکر چنین گفت: "اینکار ز دولت خیلی خوب است. من آنرا خیلی قبول دارم. اگر گوشت و برنج را هم کوبنی بکنند، خیلی خوبست. همه چیز ارزان میشود. تا ما پول زوریه این سرمایه دارها را ندهیم،

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با سلاح، از میهن انقلابی دفاع کنید!

توضیح درباره نامه «تکذیب» شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی

۶ کیلومتری زیرآب (بین زیرآب و فیروز - کوه) قرار گرفته است، از امکانات خوبی برخوردار است و نام آن "مرکز درمانی بهداشتی آزاد مهر" است. بنابراین در منطقه زیرآب، شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی ۲ درمانگاه دارد.

گزارشی که درباره مردم، شماره ۳۰۵، درج شده بود، از مرکز درمانی و بهداشتی واحد ذغال البرز درمانگاه زیرآب تهیه شده بود، که بطور اختصار "درمانگاه ذوب زیرآب" درج شد. متأسفانه وضع کنونی درمانگاه زیرآب همان است که بود و تنها تفاوتی که با وضع سابق کرده، اضافه شدن یک دندانپزشک است.

مشکلات درمانگاه ذکر شده بود. در واقع بیماران هنگام شب بیمار شدن نداشتند و اگر هم مریض می شدند، باید آن قدر تحمل می کردند، تا به وسیله ماشین شخصی به درمانگاه انتقال یابند. در این باره، تکذیب نامه ای از جانب شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی به تاریخ ۵۹/۸/۳ دریافت کردیم، که عین آن در نامه مردم به چاپ رسید. طبق تحقیقات تجدیدی که در این

در نامه "مردم"، شماره ۳۰۵، مورخ ۲۰ مرداد ۵۹، خبری تحت عنوان "وضع نابسامان درمانگاه زیرآب" درج شده بود. در این خبر مشکلات و کمبودهایی را بر شمرده بودیم که از جمله عبارت بودند از: کمبود پزشک، در این درمانگاه پزشک ثابت وجود نداشت. تنها آقای دکتر عابدی، پزشک درمانگاه دولتی زیرآب، یکی دو ساعت در روز به ویزیت بیماران می پرداخت. پزشک بیمار درمانگاه، هم وظیفه داروخانهچی را بر عهده داشت و هم وظیفه ویزیت بیماران را در موقع نبودن پزشک. نبودن تلفن و آمبولانس از دیگر

کارگران کارخانه گچ و آهک قم نیز آمریکا سبب اصلی تجاوز صدام می دانند



اگر به رهبری امام خمینی متجدد باشیم، همیشه پیروزیم.

در بین کارگران این کارگاهها امراضی چون سل، تراخم، تنگی نفس، امراض پوستی، سنگ کلیه و... شیوع دارد.

کارگاههای گچ قم، که در بیشتر آنها کوره های آهک بزی هم قرار دارد، بصورت واحد های بهم فشرده ای حول معادن سنگ قرار دارند. با آنکه در آمدان واحدها بسیار سرشار است، اما متأسفانه در شرایط کار و میزان دستمزد و ساعت کار کارگران این واحدها، نسبت به قبل از انقلاب تغییر عمده ای پدید نیامده است.

دستمزد کارگران در محیطی فاقد لباس کار، ماسک، هواکش و حمام، در ازای دهالی چهارده ساعت کار، تنها حدود یکصد و بیست تومان در روز است. بیشتر کارگران این واحدها معمولا از روستاهای آذربایجان و همدان هستند و برای اندوختن اندک ذخیره مالی، حتی در روزهای تعطیل هم مجبورند کار کنند.

در هر کارگاه حدود بیست نفر کارگر کار می کنند که حدود دوازده نفر در قسمت کوره های گچ، چهار نفر در کوره های آهک و چهار نفر دیگر در قسمت های دیگر سرگرم کارند. از کارگران در قسمت "دمش کوره ها"، کنترل و پیرو خالی کردن کوره ها، حمل گچ و آهک و غیره استفاده می شود.

ضمن گفتگویی با کارگران کارگاههای گچ و آهک قم، کارگران آمادگی خود را برای مقابله با تجاوزگران صدامی اعلام کردند. آنها آمریکا را سبب اصلی تجاوز رژیم صدام به خاک میهن ما می دانند. برای نمونه نظر سزایان را در زیر ذکر می کنیم:

"آمریکا صدام را جلو انداخته است و اگر نه بدون کمک آمریکا، صدام جرات چنین کاری را نداشت."

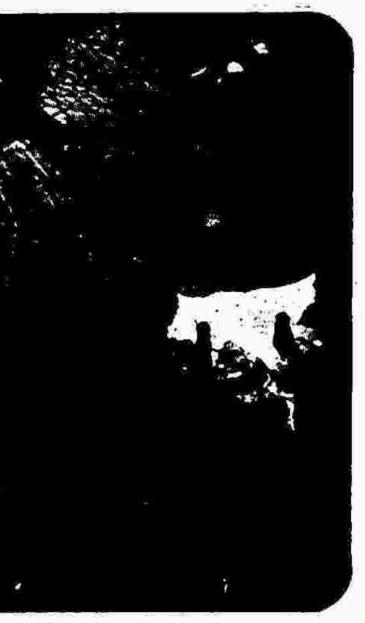
"این جنگ را آمریکا بوجود آورده است."

"آمریکا صدام را به جنگ با ما وادار کرده است. در صورتیکه ما، تحت رهبری امام خمینی با متحد باشیم، ختم پیروز می شویم. این را من مطمئن هستم."

کارگران در شرایط کنونی جهت رسیدن به

برای اثبات عادلانه بودن جنگ ایران علیه تجاوز دار و دسته صدام تکذیبی، چه شاعری معتبر تر از این که زحمتکشان ایران و بطور عمده طبقه کارگر ایران، در عین شرایط غیر انسانی کار و نبرد در خور انقلاب عظیم مردم ایران - تاپای جان در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب ایستاده اند.

از جمله شهیدان این مدعا، کارگران کوره ها و معادن گچ و آهک قم هستند که بنا چهره موی سیید از غبار گچ و آهک، به کاری طاقت فرسا اشتغال دارند.



برای پاسداری از انقلاب، کار و جنگ فرقی ندارند.

خواستهای حق خود، استفاده از تجربه های چون اعتصاب را مقید بحال انقلاب نمی دانند. پس بر مسئولان امر است که خواستهای قانونی کارگران را، که اهم آنها عبارتند از: استفاده از بیمه های اجتماعی، برخورداری از ایمنی محیط کار، نظارت بر دستمزد را بیش از این به عهده تعویق نیندازند. زیرا تعویق انقلاب، پیروزه در این باره نیاندرست و حق و باطل، تنها در سایه پیروزی شرایط زیست زحمتکشان بخصوص طبقه کارگر ایران ممکن است.

مبارزات روستائیان برای نابودی ایادی آمریکاست

با اجرای فوری قانون اصلاحات ارضی آنان رایاری کنید!

«فتودال نابود است، دهقان پیروز است» - «مرگ بر زمین دار، مرگ بر آمریکا»

اینها از جمله انبوه شعارهایی بودند که بویژه پس از پیروزی انقلاب، در فضای روستاهای کشورمان طنین افکن شد. روستائیان زحمتکش میهنمان، که به همراه سایر زحمتکشان، زندان آهنین رژیم خائن و وابسته به آمریکای خونخوار را ویران کرده بودند، مصمم شدند که ریشه بزرگ مالکان را نیز بخشکانند، در سرزمین انقلابی خود صاحب زمینهایی بشوند که سالیان سال آنها را برای این انگلها کشت کرده بودند بولی خود در فقر و فلاکت بسر میبردند.

دهقانان زحمتکش مبارزات خود را به یاری نهادهای انقلابی، چون جهادسازندگی و سپاه پاسداران و دیگر نهادهای انقلابی، گسترش دادند. لیکن زمینداران بزرگ و ایادی آنها و نیز لیبرالها، که از اوجگیری این مبارزات به وحشت افتاد بودند، در برابر حرکت آنان سدها و موانعی را قرار می دادند. آنها در واقع در برابر انقلاب و استحکام جمهوری اسلامی ایران مانع می تراشیدند و می خواستند آنرا تضعیف کنند.

روستائیان محقق، زمینداران بزرگ را مزدوران آمریکا می دانند. جنبش انقلابی روستائیان، بویژه پس از اعلام طرح انقلابی اصلاحات ارضی توسط شورای انقلاب، اوج بیشتری یافت. به کمک نهادهای انقلابی و مسئولان متعهد، روستائیان در برخی از مناطق به بعضی از خواستهای خود رسیدند، لیکن خواست اصلی آنان، یعنی واگذاری اراضی، در برخی نقاط دیگر هنوز برآورده نشده است، زیرا که بزرگ مالکان، به قول ستاد واگذاری زمین، ایجاد مشکلات و تضییقات میکنند.

روستائیان بی زمین و کم زمین هم اکنون آمادگی کامل دارند، تا با همت و حمایت نهادهای انقلابی و هیئت های هفت نفری، تکلیف خود را با زمینداران بزرگ بیکسر کنند و صاحب زمینهایی گردند که این زمینداران غارتگر آنها را غصب کرده اند. در برابر اعمال فشار و اقدامات ضد انقلابی بزرگ مالکان، باید نیروی

عظیم انقلابی دهقانان زحمتکش را به حرکت درآورد و بسیج کرد و وارد میدان مقابله با اربابان نمود.

نگاهی به مبارزات دهقانان تعداد از روستاهای تابعه بجنورد، واقع در استان خراسان، نشانی از این آمادگی است:

روستای غلامان، واقع در بخش غلامان، از توابع شهرستان بجنورد خراسان است. در این روستا ۴۰۰۰ نفر (چهار هزار) ساکن هستند. دهقانان بی زمین و کم زمین این روستا و نیز دهقانان خرده پها، در تمام طول زمستان گذشته، برای تصویب طرح انقلابی اصلاحات ارضی به دفات دست به راهپیمایی زدند. خواست اصلی این دهقانان اجرای صحیح و دقیق اصلاحات ارضی بمسود آنان بود. در این راهپیمایی ها دهقانان شعارهایی که حاکی از نفرت آنان از آمریکا و بزرگ مالک بود، از قبیل: «ارباب نابود است، دهقان پیروز است»، «داعه داشه کزمرز (کوه وصحر) را می گردیم» و «آمریکا ازمرز (آمریکا) را نابود می کنیم» و «هامی کزگ بپراولسون، آمریکا نابودالسون می دادند». خواستهای دیگر این دهقانان زحمتکش، تامین امکانات و وسایل کار از قبیل کود و بذر و تراکتور و نیز امکانات بهداشتی و درمانی است.

روستای محمد آباد یکی از روستاهای دهستان شوقان، واقع در بخش جاجرم است و ۳۰۰ نفر سکنه دارد. دهقانان تهی دست، یعنی زحمتکشترین و محرومترین مردم این روستا، بارها علیه غارتگران و توطئه گران روستا، یعنی بزرگ مالکان دست به اعتراضات دسته جمعی زدند. این روستائیان به دفعات شکایتنامه های دسته جمعی برای مقامات مسئول ارسال داشته اند. این اعتراضات هنوز ادامه دارد. خواست اصلی این روستائیان زحمتکش اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی بمسود آنان است. در تمام راهپیمایی های روستائیان زحمتکش روستای محمد آباد، همواره شعارهای «درد بر خمینی» و «مرگ بر فتودال» و «برای کسی نیست جز حاصل کارش» طنین افکن بود.

روستای قزلو یکی از روستاهای بخش مانه و سملقان، واقع در شهرستان بجنورد خراسان است. در این روستا ۲۰۰ نفر زندگی می کنند. متأسفانه از آبان سال گذشته تا کنون، دوبار میان روستائیان این روستا و اهالی روستای اینچه علیا، بر سر زمینهایی که در محدوده دو روستا است، زیراتعیین تکلیف به عمل نیامده و اهالی این دو روستا ادعای مالکیت اراضی مذکور را دارند. انگشت اربابان و سودجویان در تشدید این اختلاف دیده می شود. لازم است هرچه زودتر و به منظور جلوگیری از سوء استفاده ضد انقلاب از این اختلافات تکلیف اراضی مذکور معلوم شود و با توجه به وضع اراضی و اوضاع محل، قانون اصلاحات ارضی به اجرا آید. این عمل موجب تقویت پشت جبهه خواهد شد و زمینه را برای محیط تفاهم و همکاری برادروار و در نتیجه رشد تولید زراعی، که این همه کشور ما به آن نیاز دارد، فراهم خواهد ساخت.

روستای اینچه سفلی، در بخش مانه، ۳۰۰۰ نفر جمعیت دارد کلبه روستائیان روستای اینچه سفلی، از آبان ۵۸ چندین بار به اقدامات جمعی و ارسال شکایتنامه اقدام کرده اند. این روستائیان خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند. این روستائیان حتی یکبار با بنیاد مستضعفان بر سر تحقق خواستشان به توافق رسیدند.

هر قدر زودتر مسئله زمین حل شود، دهقانان زودتر و بهتر میتوانند به مسئله تولید کشاورزی بپردازند و در جهاد کشاورزی فرموده امام فاعلتر



شرکت کنند. روستای اینچه علیا، در بخش مانه، ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد. روستائیان بی زمین و کم زمین روستای اینچه علیا مصرا نه دست به اقدام جمعی زدند تا به اراضی مرزوه ای که بوسیله خانواده متغور بپهلوی غصب شده بود، رسیدگی شود و پس از رسیدگی به صورت تعاونی به زیر کشت رود این دهقانان هم اکنون نیز در کنار سایر برادران و خواهران روستائی آماده اند تا توطئه جدید بزرگ مالکان را خنثی کنند.

روستای گلستان، یکی از روستاهای بخش مانه و سملقان در شهرستان بجنورد استان خراسان، ۶۰۰ نفر سکنه دارد. دهقانان تهی دست روستای گلستان در تظاهرات و اقدامات خود خواستار رسیدگی به وضع اراضی بزرگ مالکان بودند. سال گذشته در ماههای زمستان و محاطر مقابل با زمینداران بزرگ و واگذاری زمین به دهقانان، این مبارزه اوج گرفت و به نتیجه رسید. آنان به هنگام اعتراض جمعی شعار می دادند: «به گفته خمینی، دهقان زمیندار باید گردد». اکنون هم با تکیه به نیروی لایزال دهقانان زحمتکش است که هیئت های ۷ نفری می توانند بر تشبثات بزرگ مالکان فائق آیند.

روستائیان گارانترا، واقع در بخش مانه، نیز به دفعات به تظاهرات اقدامات جمعی و ارسال شکایتنامه اقدام کرده اند. خواست اصلی این روستائیان زحمتکش اجرای قانون اصلاحات ارضی بمسود آنان است. مضمون کلی تمام شعارها به هنگام حقی طلبی ها عبارت بود از: «چرا مالک بالای صد هکتار زمین داشته باشد و ما نان خوردن نداشته باشیم»

انسان همچنین خواستهایی چون تامین آب آشامیدنی، تامین امکانات درمانی و بهداشتی و نیز تامین وسایل و امکانات کار دارند، تا پس از پایان جنگ با تمام نیرو به آباد کردن ده و ازدیاد محصول بپردازند. روستای هاور، روستایی در بخش مانه و سملقان است. در این روستا ۶۰۰ نفر زندگی می کنند. روستائیان تهی دست روستای هاور به دفعات دست به راهپیمایی ها و اقدامات جمعی و ارسال شکایتنامه زدند. خواست اصلی آنان رسیدگی به وضع

اراضی و اجرای قانون اصلاحات ارضی بمسود آنان است. لازم به تذکر است که اراضی کشاورزی موجود در این روستا، کفاف جمعیت را نمی کند. همچنین اکثر جوانان هاور برای کارگری به تهران و شهرهای مازندران می روند. لیکن سکونت آنان موقتی است و مجدداً به روستا باز میگردند. ضروری است که پس از رسیدگی هیئت هفت نفری بموضع اراضی بایر وموات، مطابق قانون اصلاحات ارضی، دولت با تدارک وسایل و امکانات کار برای روستائیان در مقابل کشت کردن روستائیان در برابر کشت رساند و آنان را نیز تشویق به کار تعاونی در این اراضی کند. همچنین باید در این روستا صنایع جنبی ایجاد شود و از نیروی جوانان روستا استفاده صحیح بعمل آید.

روستای لنگر سملقان در بخش مانه و سملقان در شهرستان بجنورد خراسان قرار دارد. جمعیت این روستا ۲۶۰ نفر است. دهقانان بی زمین و کم زمین روستای لنگر سملقان بکرات دست به اقدامات جمعی زده اند. توضیح این که، در این روستا زمینهایی وجود دارد که قبلاً مردم روستا از منابع طبیعی گرفتند و اختلاف بر سر تقسیم این زمینها را باید هیئت ۷ نفری با اجرای قطعی قانون حل و فصل کند. شعارهایی که آنان در اعتراضات خویش می دادند «مستضعف پیروز است، مستکبر نابود است» و «خمینی رهبر ماست، مستکبر دشمن ماست» بود. روستائیان می گویند که زمینداران باید از زمینهایی که از منابع طبیعی گرفته شده است، چشم پوشی کنند. آنان همچنین خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی در مورد زمین های واقع در محدوده روستا هستند. این روستائیان از دولت می خواهند که بذر و کود و وسایل کشاورزی، در اختیار آنان قرار دهد، تا در جهاد کشاورزی «قائلانه شرکت کنند و سهم خود را در ازدیاد محصول زراعی و دامی و شکست توطئه های خرابکارانه آمریکا و اربابان ادا نمایند». این دهقانان هم اکنون با شرکت در سنگرهای جنگ علیه تجاوز رژیم صدام و در کشتزارهای تولید علیه محاصره اقتصادی آمریکا، از انقلاب خود قاطعانه دفاع می کنند.

گذری به روستای مهر آباد آبشور

فراهم میکنند، از جمله اقدام به حفر چاه غیرسجاز در این اراضی کرده اند. مزاحمتهای آنها بحدی است که اهالی خواستار حضور مجدد هیئت ۷ نفری در منطقه هستند. نماینده اهالی و خوش نشینها، که از طرف هیئت ۷ نفری تعیین شده است، میگفت: «همه ما در صورت لزوم حاضریم و رفتن به جبهه جنگ هستیم و تاکنون ۲۴ راس گوسفند و مقداری نان و خرما به جنگ زدگان کمک کرده ایم و وقتی برای جمع آوری کمک به بزرگ مالک شروتمند مراجعه کردیم، ایشان حتی یک سرخرما هم کمک نکرد». وقتی برای آنها توضیح داده شد که البته در صورت لزوم شما بیستی در جنگ شرکت کنید، ولی در این شرایط، زراعت و تولید هم دست کمی از شرکت در جنگ ندارد و شما ضمن اتحاد و همستگی، باید هر چه زودتر کار کشاورزی را شروع کنید، گفتند: «ما ۵ نفر کاملاً با هم متحد هستیم، حتی ۱۲ نفر بقیه از ۲۳ نفر به ما قول داده اند که در صورت لزوم

و یکصد تومان پول دادند. بزرگ مالک ده ما را مجبور کرد که یاصد تومان پول بابتو را بایشان بدهیم، و چون قدرت داشت، همه اطاعت کردند».

و نیز چنین میگفت: «وی ادعای مالکیت بر تمام اراضی اطراف مهرآباد داشت، در قسمتی از این ۲۸۰ هکتار اراضی زراعت میکرد و بقیه رانه خود زراعت میکرد و نه کسی جرات داشت حتی از داخل آن عبور کند. اگر گاو یا گوسفندی وارد زمینها یا زراعت او میشد، گاو و یا گوسفندان را توقیف میکرد و منتظر میماند تا صاحبش برای پس گرفتن با او مراجعه کند و آنگاه او شروع به فحاشی و احتمالاً کتک کاری میکرد و برای همین بیشتر اوقات مردم از گاو و گوسفند خود میگذشتند و با او مراجعه نمیکردند. غمده مالک، که علاوه بر این اراضی دارای یک باغ وسیع (مرکبات و نخل) در مهرآباد است، در روستاهای مجاور واز جمله روستای قدیمی نیز باغ و زمین دارد. دودستگاه موتور و پمپ در باغ مهرآباد عمده مالک کاز میگند، در این روستا حدود ۵ خانه دارای برق است

روستای مهرآباد در فاصله ۱۵۰ کیلومتری شرق جنوب شرقی داراب، در حاشیه جنوبی دشت آبشور قرار دارد.

روستا دارای یک مدرسه ابتدایی با دو اتاق است و اخیراً بوسیله جهاد سازندگی کارلوله کشی بنیایم رسیده است. بوسیله هیئت ۷ نفری ۲۸۰ هکتار زمین به ۶۲ نفر خوش نشین این روستا واگذار شده است. فعلاً حدود ۵۰ نفر از این تعداد، آمادگی خود را جهت کشاورزی اعلام داشته اند. حدود بیست سال پیش این روستا در مجاورت رودخانه آبشور قرار داشته، که در اثر طغیان رودخانه ویران شده است. از آن زمان روستا در محل فعلی، که چند کیلومتری با رودخانه فاصله دارد، احداث شده است. یکی از روستائیان وقتی از ظلم ها و تجاوزات عمده مالک دم تعریف میکرد، از جمله میگفت:

«از زمانیکه خانه های ما کنار رودخانه خواب شد و به محل قطعی کوچ کردیم، به هر خانوار یک تخته پتو

دوش بدوش شما در مقابل این فتودال ها ایستادگی خواهیم کرد». در شرایطی که بعثت کارشکنی ها، هیئت های ۷ نفری کار خود را در منطقه داراب تعطیل کرده و به شیراز رفته اند، ضرورت وجود آنها کاملاً احساس میشود. دهقانان میگفتند: در صورتیکه این معوق ماندن کار هیئت ۷ نفری ادامه پیدا کند، با توجه به توطئه های فتودالها و احتیاجی که از طرف دهقانها بوجود آنها ابراز میشود، امکان درگیری در منطقه زیاد است. نماینده اهالی مهرآباد میگفت: وقتی ماورین برای تعیین محل چاه می آیند، حتماً لازم است که لااقل یکی از هیئت ۷ نفری با آنها باشد، چون ممکن است عمده مالک و پسرانش ناراحتی ایجاد کنند. وقت آنست که انقلاب، دیگر قاطعانه وضعی را بوجود آورد که عمده مالک، قانون خودش را اعمال نکند، بلکه قانون جمهوری اسلامی ایران حکمفرما باشد و توده دهقانان مستضعف بدانند که انقلاب مال آنها و بسا آنهاست.

دهقانان چشم بر اهنگد: هیئت های ۷ نفری باید هر چه زودتر وقاطع تر کار واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین را به انجام برسانند

لیبرال‌ها و مسئله طبقات اجتماعی

روشنفکران لیبرال، به ویژه نویسندگان روزنامه "میزان" سخت از "مبارزه طبقاتی" و ذکر عبارت "طبقات اجتماعی" بدشان می‌آید و این را اختراع من درآوردی، از پیش خود و دروغین مارکسیست‌ها می‌دانند و چون در تنها قاضی رفتن استادان کل هستند، جزو ماش را هم نوشته‌اند و "پوچی" این اندیشه را به ضرب استدلال به دعوی خودشان منطقی و باصلاح اسلامی، گویا مدت‌هاست ثابت "هم کرده‌اند!"

خلاصه این "استدلال" اینست که: در جامعه تضادهای عاطفی (مانند حسد و بغالت و جاه‌طلبی و غیره) از تضاد مادی و "شکی" که گویا مارکسیست‌ها آن را تحت عنوان "تضاد طبقاتی" بزرگش می‌کنند، زیرا مادی و دنیا دوست و شکم پرست هستند (۱) به مراتب حادث و مهم‌تر است و این که گویا موافق تاریخ ادیان، اولین تضاد در تاریخ، تضاد هابیل و قابیل بود، که آن هم بر اساس حسادت بود و نه بر اساس شک و یا مال‌داری، که در قبال آن، تضادهای عاطفی شریکتری محسوب می‌شود!

سطح استدلال و سطح ردیه - نویسی بر مارکسیسم تحت عنوان "علمی" در کشور ما، در همین حدودها است، و این الحق قابل تأسف است. این آقایان وقتی از علمی بودن این اصطلاحات سخن می‌گویند، به فریاد می‌آیند که، علمی یعنی چه، این اصطلاحات اسلامی نیست! ما نمی‌دانیم چگونه بکار بردن اصطلاحات علمی در ترمودینامیک و وارد کردن آن در مسائل فیزیکی و قرآنی مجاز است، ولی بکار بردن اصطلاحات علمی جامعه شناسی مجاز نیست؟! چرا این "استدلال" به میان کشیده می‌شود؟ برای آنکه اصل مسئله جامعه ما، یعنی مبارزه دهقانان بی زمین و کم زمین علیه خان‌ها و بزرگان مالکان، مبارزه مردم زحمتکش و تنگدست علیه سرمایه‌داران وابسته و محترک، که یک مبارزه اجتماعی و اقتصادی است، لوث شود. مثلا گفته شود که فلان کس سرمایه‌دار نیست، بلکه مرد فعال و مبتکر است که توانسته است با مساعی خود یک اقتصاد موفق راه بیاورد، ولی تنگ‌ها و بیکارها و بی‌ابکارها به چنین آدمی "حسادت" می‌کنند؛ لذا آن فرد مبتکر و فعال نیست که مقصر است، حدودها مقصودند که چشم ندارند ببینند و به جای آنکه تنبلی خود را کنار بگذارند و آن‌ها هم بروند. میلیونر بشوند و بیخود به میلیونرهای معصوم "حسادت" نکنند، چنانچه می‌کنند که ما مورد "استثمار" قرار گرفته‌ایم. استثمار

چیست؟ طبقات متضاد چیست؟ این اصطلاحات "اسلامی" نیست! این یک قصه "کهنه" است که تنها اختراع تئوری‌دان‌های "لیبرال" وطنی ما نیست. در سراسر آمریکا و اروپای غربی، یکی از انواع استدلالات عامیانه و عوام‌فریبانه علیه مارکسیسم، همین است. حتی شاه ملعون و زشت فرح و خواهرش اشرف نیز این تئوری "حسادت" را بارها تکرار می‌کردند. مبارزه بحق مردم علیه ستم و غارت خاندان پهلوی به عقیده این حیوانات نتیجه "حسادت و بغالت" بود. "میزان" را بخوانید، همین حرف‌ها تکرار شده است و می‌شود.

موافق این فلسفه ابلهانه، ریشه انقلاب‌ها "حسادت تنبلی و احمق‌ها" (که متأسفانه گویا اکثریت دارند) علیه افراد "لایق و مبتکر" است (که متأسفانه اقلیت دارند)!

به این ترتیب کشف علمی مهم کسانی که از قرن نوزدهم، حتی مدت‌ها پیش از مارکس، مسئله وجود طبقات اجتماعی را در ارتباط با اقتصاد اجتماع، با تولید اجتماعی، با مالکیت، به میان کشیده‌اند و نقش این تضاد طبقاتی را در حرکت اجتماعی دیده‌اند، به یک ضرب رد می‌شود! فقط باقی می‌ماند حسادت ابدی قابیل‌ها علیه هابیل‌ها، که البته قابیل‌ها در اینجا توده‌های زحمتکش‌اند و هابیل‌ها گردنه‌گیران مولتی میلیاردر! ما دچار این پندار کودکانه نیستیم که افرادی را که، درست بر اساس منطق طبقاتی، وجود عینی طبقات را منکر می‌شوند، قانع کنیم. در سابق این اختراع ساواک بود که بجای تضاد طبقاتی می‌گفت: "فرت طبقاتی". این اختراع امپریالیسم است که وقتی قادر نیست تنوع اجتماعی را منکر شود، آن را به "تشریحی" مشاغل "تقلیل می‌دهد و صدها قشر (ستراتوم) در جامعه فرض می‌کند، تا به نحوی از آنجا از شر "طبقه" خود را خلاص کند و کارگر را هم غفل مثلا آقای دیویدراکفلر معرفی می‌کند! حقه قدیمی است و تازگی ندارد.

ولی مسئله طبقات و تضاد طبقاتی در جامعه ما مطلبی است که هر قدر هم قلم به دستان بورژوا در سفسطه ماهر باشند، در صحنه زندگی خود را نشان می‌دهد و نمی‌توان آنرا منکر شد. تضاد قحاش فقر و ثروت در جوامع طبقاتی چنان است که نمی‌توان منکر آن شد.

در جهان ما اکنون دو نوع نظام اجتماعی مبتنی بر دو نوع مالکیت وجود دارد: (۱) مالکیت همه اجتماع بر وسایل تولید (ماشین و زمین و وسایل

ارتباط)، (۲) مالکیت قشرهای محدودی به نام کارخانه‌دار، بانکدار، سهام داران بزرگ شرکت‌ها، مالکان بزرگ اراضی، صاحبان بزرگ مستعلات و غیره. یکی از این نظام‌ها را جامعه - گرای (یا سوسیالیسم) می‌نامند. نظام دیگر را سرمایه‌داری - انقلاب اسلامی ایران پس از برانداختن استبداد، در مقابل این سؤال قرار گرفته است که: در چارچوب درک راستین از مبانی اسلام، کدام یک از این دوره‌ها را، در چارچوب آموزش و پیش خود، باید مورد توجه قرار دهد و مسئله را چگونه باید حل کند؟

لیبرال‌ها سال‌هاست فریاد می‌زنند که در قرآن آمده است: "ولا تنس نصیبک من الدنیا"، لذا مال داری و ملک‌داری و بازرگانی و کارخانه داری و غیره، بمنظر آن‌ما، با تعالیم



اسلام مخالف نیست. مسلمانان انقلابی هم سال‌هاست می‌گویند که در قرآن آمده است: "لیس الانسان الامامی" ریشه هر چیزی متعلق به انسان و سعی و کار اوست و احدی حق ندارد از کار دیگری (کار کارگران و دهقانان) زور اندوزی کند. آن‌ها می‌گویند که اسلام از همان آغاز به یاری توده‌های مستمند و یا، به قول امام خمینی، "کوچ نشینان" برخاست و پیغمبران علیه "مترقیین" و "ملا" و کجینه‌سازان زر و سیم، به سود "مستضعفین و خوار شدگان زوری زمین، وارد میدان شده‌اند، و این "وعاظ السلاطین" بودند که سعی کردند برای غارتگری قشرهای ممتاز، جامعه شرعی بدوزند. در انقلاب اسلامی ایران این بحث از همان آغاز به‌شدت، لیبرال‌ها تفسیر دلخواه خود را به سود

سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و مالکیت نامحدود مطرح کردند. مسلمانان انقلابی نیز استنباط خود را علیه مالکیت نامشروع و حرام بسود توده‌های زحمتکش در میان نهادند و بیانات امام خمینی در این زمینه کاملاً صریح و روشن است. این مطلب نتیجه "القاء" ایدئولوژی دنیا پرستان "با" تاثیر این و آن نیست. این مطلب "شهره" واقعیتی است که در ده و شهر، در کارخانه و بازار، وجود دارد و انقلاب ایران نمی‌تواند در باره آن ساکت بماند. این مطلب را نحوه ادامه انقلاب و شکل گیری آن و نحوه سازی جامعه به‌میان آورده است و از آن نمی‌توان گریخت.

این مسئله در انقلاب مشروطیت نیز مطرح شد، منتها آن ایام لیبرال‌ها توانستند، به یاری امپریالیسم انگلستان، مصالحین بنیادگرا و مکررات‌های انقلابی را نابود کنند (جسمان‌ها بودند) و بعدها به‌دست خاندان پهلوی نظام شوم سرمایه‌داری وابسته را در ایران بنشانند.

حالا هم در این انقلاب، عین همان وضع است. لیبرال‌های امروزی می‌خواهند با استفاده از کمک مستقیم و غیرمستقیم آمریکا و انگلیس، مسلمانان انقلابی را، که خواستار اجرا عدالت و قسط اجتماعی هستند، از میدان بدر سازند و بعد جاده را برای اوپوسی‌ها و پالیزبان‌ها بکشایند، تا به دنبال آن‌ها، همه سرمایه‌داران و ملاکان فراری یا خائمشین میدان دار شوند و حمام خون تازه‌ای مانند ۲۸ مرداد ۳۲ در ایران براه اندازند و آن هم بموت‌ها و بموت‌ها بزرگ‌تر از ۲۸ مرداد ۳۲، چون انقلاب بموت‌ها بزرگ‌تر و تعهد آن بموت‌ها وسیع‌تر است. لیبرال‌ها جاده کوب فاجعه عظیمی هستند که، وای بر انقلاب، وای بر جامعه، اگر پیروز شوند!

در پس سیمای بی‌آزار و پروفور - مآبانه برخی لیبرال‌های مسلمان (مسلمان به معنای دلخواه آن) یک چنین فاجعه مخوفی وجود دارد. آن‌ها در مسجد و منبر، با توسل به آیات و احادیث، این راد خونین را هموار می‌سازند.

این آقایان به عبت تبلیغ می‌کنند که مسئله مبارزه طبقاتی را مارکسیست‌ها ساخته‌اند. یا توده‌های آن را اختراع کرده‌اند. این یک واقعیت عینی است. وجود تضادهای عاطفی در جامعه دلیل نیست که تضاد های دیگر: اقتصادی، ملی و قومی، فکری و غیره وجود ندارد. اینک نهاد اقتصادی (تضاد بر سرما مالکیت) یکی از اهم این تضادهاست، تاریخ واقعی بشریت از آن شکایت می‌کند و قضیها

با مثال از هابیل و قابیل نمی‌توان کوچک ساخت. برخی‌ها تصور می‌کنند که چون ملاک‌های مختلفی برای تقسیم در مورد یک "کمپلکس"، یعنی یک مانووه، بفرنج (مثلا اجتماع) می‌توان مطرح ساخت، پس لازم نگردد است که یکی از این ملاک‌ها (مثلا تقسیم اقتصادی) دارای وزن علمی بیشتر باشد. این خطای فاحشی است، سوء استفاده از نام مذهب و احساس مذهبی توده‌ها و احترام آن‌ها به کتب و احادیث مذهب، بسود خود و جیب خود هم بزرگ‌ترین تمهکاری است.

هر اندازه هم که شما طبقات و تضاد طبقاتی را به‌این بهانه مضحک که در جامعه تضادهای روحی و عاطفی هم هست (بسیار خوب هست) منکر شوید، کوچک‌ترین تاثیر در سیر عینی امور ندارد. می‌گویند: "جوالدوز رادز کیسه نمی‌توان پنهان کرد"، کاری به این بزرگی، که گروهی محدود سراسر جامعه را، از آمریکای امپریالیستی گرفته تا ایران ما، که حتی پس از انقلاب هم هنوز عرصه غارت سرمایه‌داران بزرگ و ملاکان است، می‌چاپند، مسئله کوچکی نیست که بتوان آن را با سفسطه‌های عامیانه مخفی کرد. شما این کار را تا دلتان می‌خواهد بفرمایید! ولی قوانین عینی جامعه، مانند همه قوانین عینی کار خود را خواهد کرد، چنانکه کرد و می‌کند، و هر سدی را که در مقابل آن بیافرینند، دیر یا زود می‌شکند.

البته با توطئه و زور می‌توان عمل هر قانونی را در جامعه برای مدتی به عقب انداخت، ولی خواه طبیعت و خواه جامعه، در مسیر خود مانع غیر طبیعی و نابهنجار را به عقب می‌زنند و مسیر ضرور خود را طی می‌کنند، سیر ضروری کناشی از بنیادهای تکاملی خود مردم است و نسخه آن را احدی اختراع نکرده، بلکه از عمل زنده، از واقعیت زنده نشأت می‌گیرد. صحبت بر سر ضروریات سوزان تکامل یک جامعه، یک مردم است که مایلند هم از جهت مادی و هم از جهت معنوی، به سطح بالاتری ارتقا یابند.

ولی آقای لیبرال! این مطالب را برای شما نمی‌گویم. این مطالب را برای کسانی می‌گویم که منصفانه و آماندانه بدون پیشداوری، بین سخنان شما و ما قضاوت کنند، و الا شما تصمیم خود را، بر حسب همان منافع مالدار، که از آن آفتدر سالوسانه خود را دور جلوه می‌دهید، گرفته‌اید؛ ای آنکه "تقریباً" دم زنی از عشق ما با تو نداریم، سخن، خبر و سلامت!

نمایشگاه جنگ بر ضد تجاوز آمریکائی رژیم صدام در رشت



دانش آموزان هوادار سازمان جوانان توده ایران در رشت، در ۱۵ آذر ۵۹، در جلوی دبیرستان نوربخش رشت، نمایشگاهی درباره جنگ بر ضد تجاوز آمریکایی رژیم صدام تشکیل دادند، که با استقبال دانش آموزان و اهالی محل روبرو شد.

آزادی در خط امام، آزادی در خط لیبرال‌ها

بزرگ - اصلی ترین عامل اسارت انسانی (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹) آزادی در خط امام آزادگذاشتن جوانان پرشور انقلابی در جامعه برای سلب آزادی از توطئه‌گران و شیطان بزرگ - اصلی ترین عامل اسارت انسانی (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹) آزادی در خط لیبرال‌ها: سلب آزادی و محکوم نمودن جوانان انقلابی به نفع آزادگذاشتن خیانت و توطئه برای توطئه‌گران و شیطان بزرگ (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹) آزادی در خط امام: سلب آزادی از خائنین بمنظور حمایت از حقوق و آزادی مستضعفین آزادی در خط لیبرال‌ها: آزادی در توطئه برای مستکبرین و وابستگان آنها بمنظور سلب آزادی از مستضعفین (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹) آزادی در خط امام: آزادی مبارزه با وابستگی و سیا از طریق تکیه به اسلام

آزادی در خط امام: دفاع از نهادهای مردمی و انقلابی حافظ منافع مستضعفین آزادی در خط لیبرال‌ها: سرکوب و توهین و اختناق برای نهادهای مردمی و انقلابی حافظ منافع مستضعفین (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹) آزادی در خط امام: مبارزه با تفکرات افکار عمومی و در نتیجه آزاد ساختن اندیشه‌ها از توطئه قلم‌های مسموم و وابسته به شیطان بزرگ آزادی در خط لیبرال‌ها: آزادی برای توطئه و انحراف افکار عمومی و در نتیجه آزادی برای قلم‌های مسموم و منفذ و وابسته به امپریالیسم بمنظور اسارت و وابستگی انسان (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹) آزادی در خط امام: آزادی در مبارزه با شیطان بزرگ و عدم هرگونه سازش با اصلی ترین عامل اسارت انسانی آزادی در خط لیبرال‌ها: آزادی در سازش و مصالحه و ارتباط با شیطان

زمنه و نطفی آزادی تکیه بر غارتگران آزادی در خط لیبرال‌ها: آزادی تکیه بر جناح‌های امپریالیستی و غارتگران بمنظور به اصطلاح مبارزه با جناح‌های دیگر (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹) آزادی در خط امام: آزادی پاسداران انقلاب برای سلب آزادی برخاستن وابسته آمریکا آزادی در خط لیبرال‌ها: سلب آزادی از پاسداران انقلاب و آزادی وحکم خروج از کشور برای خائنین (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹) آزادی در خط امام: سلب آزادی و قطع فتوای‌های وابسته و مزدوران ساواکو، سیا جهت آزاد ساختن روستائیان و عشایر مستضعف آزادی در خط لیبرال‌ها: آزادی برای فتوای‌های وابسته و "سیا" تحت عنوان دفاع از امنیت قضائی (کیهان - اول دی ۱۳۵۹)

بیانیه حزب کمونیست عراق ...

بقیه از صفحه ۴

او بیک ماجراجویی و جنگ غیرعادلانه اقدام می کند و ارتش و مردم را با مسائل قهر و جبر بیک جنگ خونین و ویرانگر میکشاند، و مردم ایران، که تخت شاه و رژیم خونبار او را دردم شکستند، ممکن نیست در برابر کسی که تجاوز به حرمت خاک آنها بکند و حاکمیت و سیادت ملی آنها را نقض نماید، دست روی دست بگذارد.

قبل از جنگ، ما شاهد شدت یافتن بحران عمومی و عمیق داخلی در عراق بودیم - همانطور که حزب مادر بیانیه ها و تحلیل های خود بزرگ آنرا تشخیص داد. تعمیق و تشدید تفرق و انزجار مردم از رژیم و تعمیق منفرده شدن آن و بازتاب مستقیم آنها در داخل حزب حاکم، از پائین تا بالا، و پیدایش شکافهای متوالی در موسسات کسوری و لشکری آن، از مظاهر و نمودارهای این بحران شدید بشمار می رود.

همچنین پیوستن کامل جمیع نیروهای ملی و توده های خلق به اردوی مخالف آغاز توافقهای ملی در بین نیروهای اساسی و موثر در میدان مبارزه میهنی - همانطور که اخیراً منجر به تشکیل جبهه دمکراتیک میهنی و ملی شد - از مظاهر و نمودارهای برجسته بحران رژیم است. این توافقها و اشکال دیگر مخالفت، با گسترش مبارزه جبهه سرنگونی گروه تروریست دیکتاتوری و اعمال شیطانانه مقابله علیه موسسات رژیم و شیوه های تروریستی آن همراه بود.

مبارزات مردم همراهی بود یا رشد روزافزون نیروهای مسلح پارتیزانی در کردستان، که صفوف و مواضع و فعالیت های نظامی و سیاسی و سازمانی و تدارکاتی خود را در مناطق وسیعی از عراق تحکیم و تقویت می کنند و نقش موثری در فرسوده کردن رژیم و کمک به تلاش کردن آن ایفا می نمایند.

جنگی که غرض از آن نجات یا منصرف کردن انظار از این بحران بود، در تشدید و متعجب کردن آن سهم بزرگی داشته و دارد. تلفات عظیم جانی، آشفتنکی اقتصادی، تشدید بحران در تمام شئون زندگی، هدر رفتن وحشتناک درآمد و ثروت های کشور و تألیف فاجعه آمیز آن، توأم با اوج گرفتن خشم و نفرت خلق علیه رژیم و جنایتها و خیانت های آشکار آن به منافع میهنی و ملی، این بحران را بسوی شدت و منفرده شدن بیشتر سوق میدهد بدون تردید افزایش سنگینی بار فجایع و مصائب ناشی از جنگ، به صورت حادی در نیروهای مسلح و توده های زحمتکش، که بیشتر مشتاقا و فجاجع را متحمل میشوند، انعکاس خواهد یافت.

باید تروریستی، که ماجراجویانه این جنگ را افروخت و ارتش و خلق را به آتش آن کشید، خودش نیز به تنگناهای افتاده که، ابتدا ممکن نیست به سلامت از آن درآید.

راه نجات میهن و وسیله مفید و قاطع برای خاتمه دادن به جنگ و متوقف ساختن خونریزی و رها کردن خلق ما از ارتش و از فجایع و قربانی های بیشتر، همانا راه تقویت عمل جدی و هماهنگ است بین احزاب و نیروهای ملی و شرافتمند، در پیوند تام و تمام با توده های مبارز خلق ما و کلیه

عناصر ملی و غیره در ارتش ما، جهت تسریع در سرنگونی پیمانده تروریست دیکتاتوری و خنثی کردن هرگونه مانع و بنظر ابقای ریشه ها و سیاست این نظام و موسسات قلع و قمع آن، و یا تلاش برای جانشین کردن باند تروریست دیکتاتوری با کسی که عین خط مشی خیانت آمیز گروه حاکم کنونی را ادامه دهد و بر شیوه های قلع و قمع و استبداد تکیه کند، یا متمسک به ایدئولوژی خصومت آمیز با دمکراسی و سوسیالیسم و کمونیسم باشد، یا برای انحصار قدرت، یا تبلیغ افکار طائفی عقب افتاده دست راستی تلاش ورزد.

رژیم خوتین دژخیم در کشور ما باید از بین برود. این رژیم امروز از هر وقت دیگری شمشیر است و امکان هجوم بر آن و سرنگونی برای مردم و نیروهای ملی ما بیشتر. اکنون شرایط بهتری برای همبستگی یکپارچه در بین نیروهای مبارز مردم ما و گردانهای جنبش آزادیبخش ملی عرب و جمیع نیروهای مترقی و سوسیالیستی در جهان، که سرشت باند دیکتاتوری در عراق را، در تیسجه جنگ علیه ایران بهتر شناخته اند، فراهم است.

اگر امپریالیسم آمریکا در جنگ عراق و ایران، مزورانه تظاهر به بی طرفی میکند، ولی در باطن به گروه حاکم بر عراق کمک می کند و پشتیبانی پنهانی را از او، بوسیله همپیمانان خود در وجود حکام مرتجع عرب و از راه تمرکز نیروهای نظامی در خلیج فارس و دریای عرب تأمین می کند. اتحاد شوروی موضع مسئولانه اتخاذ کرده و با تمام قدرت سیاسی و نظامی اش بر ضد تلاش های آمریکا جهت مداخله در نزاع و برای عقیم گذاردن فعالیت ناوگان و نیروهای

امریکائی موجود در منطقه ایستاده است. اتحاد شوروی در مورد حل مسالمت آمیز نزاع موضع اصولی اتخاذ کرده و متوقف ساختن جنگ و منع هرگونه مداخله اجنبی از خارج را خواستار شده است.

ضعفی که گریبانگیر دیکتاتوری دژخیم شده، شدت می یابد، پایان آن نزدیک میشود، امکان پیروزی مردم بیشتر و بهتر میگردد.

نگاه راه حل درست بحران رژیم دیکتاتوری، که در نتیجه جنگ تجاوزآمیز کارگاه آن علیه ایران همسایه عمیق شده است، تشدید مبارزه توده های مردم رهبری جبهه دمکراتیک میهنی و ملی و تمام نیروهای مبارز خلق ماست برای سرنگونی دیکتاتوری و استقرار یک نظام دمکراتیک ائتلاف ملی، که وظیفه فوری و مستعجل آن عبارتست از: پایان دادن به کشتار خونین و وحشتناک، فراخواندن نیروهای عراقی از خاک ایران، کوشش برای حل اختلافات بین دو کشور از راه مسالمت آمیز، بصورتیکه منافع دو ملت دوست و مبارزه مشترک آنها را علیه امپریالیسم و برای ترقی اجتماعی تضمین کند.

توده های خلق شرافتمند ما! کارگران و دهقانان و روشنفکران انقلابی! صفوف خود را فشرده کنید و با تمام وسائل مبارزه برای سرنگونی رژیم تروریستی را شدت بخشید! توده های سربازان و افسران! تشکلهای خود را به سوی کسانی نشانده روید، که شما را بزور به این کشتارگاه انداخته اند!

احزاب و نیروهای میهنی و کلیه گردانهای اپوزیسیون ملی در کشور! کوششهای یکپارچه ای خود را متحد

و هماهنگ سازید و همبستگی و نقش رهبری خود را در یکبار خلق تحکیم بخشید!

جنگجویان دلیر در نیروهای پارتیزانی و پیشمرگ!

عملیات نظامی و سیاسی و تدارکاتی خود را در منطقه، برای فرسوده کردن دشمن و آزاد کردن زمین تومده دهید! کسانی که در حزب حاکم و موسسات آن بزور بیخ شدماید!

صدای خود را علیه جلادان بلند کنید! باند قاتلان و خائنان وطن را ترک کنید و برای ملحق شدن به جبهه خلق بشتابید!

بیمیش فرزندان خلق بزرگ ما، صرف نظر از اختلاف ملیت، عقیده و مذهب، برای سرنگونی رژیم تروریست و خیانت میهنی و ملی، برای استقرار نظام دمکراتیک ملی ائتلافی، که جنایت های دیکتاتوری را بشوید و زخمهای خلق و میهن را التیام بخشید!

در راه دمکراسی برای عراق و خودمختاری برای کردستان! برای اینکه عراق عزیز ما راه دمکراسی و استقرار امنیت و ترقی، راه همبستگی عربی در مبارزه، راه شرکت فعال در یکبار امت عرب علیه دشمن صیوپیستی و راه عقیم گذاردن تشکلهای امپریالیسم آمریکا و حکام مرتجع دست نشانده او را در پیش گیرید.

هرگز بر دیکتاتوری قنقشیتی! پیروزیان خلق مبارز!

حزب کمونیست عراق ۱۹۸۰/۱۱/۲۴

توضیح: تیتراهای وسط بیانیه از نامه «مردم» است.

نامه آقای ...

بقیه از صفحه ۱

تکون هفتین توطئه امپریالیسم آمریکا قرار دارند و یازدهم برخی از نشریات، نه فقط کلمه ای در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا و شیوه های مقابله با آنها و ضرورت اتحاد خلق و نیروهای انقلابی علیه تلاشهای ضد انقلاب، سخن نمی گویند، بلکه خاک در چشم مردم می ریخته و به تفرقه جویی دست می زنند... در کمال تأسف و تعجب، آقای صادق حتی کلمه ای در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا... سخن نمی گوید. او حتی کلمه ای در مورد نقش مطبوعات ضد انقلابی، که با سکوت در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا و منحرف کردن افکار مردم از خطر جدی امپریالیسم آمریکا، به امپریالیسم آمریکا یاری رسانیدند و اکنون نیز در همین جهت عمل می کنند، بر زبان نمی آورد. او ضرورت وحدت مطبوعات متحد و انقلابی را برای اقصاء توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی و هشیار ساختن مردم، متذکر نشده و نامه مردم از ترد:

«شگفت انگیز و تأسف بار است، اما واقعیت دارد که آقای صادق بر آنکه بتواند هیچ ایراد قانونی (قانونی که هنوز موجود است) بر کار حزب توده ایران و نشریات آن، که همگی منطبق بر قانون مطبوعات و با اجازه وزارت ارشاد اسلامی منتشر می شوند، وارد آورد، چنین خصمانه بر حزب توده ایران که صداقت و صمیمیت خویش را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به اثبات رسانیده است، بتازد»

(۳) پاسخ آقای ابوالقاسم صادق به نامه «مردم»، که متن آنرا در فوق ملاحظه کرده اید، نشان می-

دهد که آقای صادق، متأسفانه، نه فقط پاسخ قانونی و منطقی به مقاله نامه «مردم» نداده، نه فقط در قضاوت اقترا آمیز خود نسبت به حزب توده ایران تجدیدنظر نکرده است - مطلبی که نامه «مردم» خواستار آن شده بود - بلکه در کمال تأسف باز هم مطالب خلاف حقیقی درباره حزب توده ایران ابراز داشته و باز هم به حزب توده ایران، بدون کوچکترین دلیل، اقترا زده است.

(۴) آقای ابوالقاسم صادق، سرپرست حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت ارشاد اسلامی است، یعنی آقای صادق میدانند و باید بدانند که طبق ماده ۱۵ قانون مطبوعات، درج پاسخهای «مستهل بر توهمین، اقترا و مطالب خلاف واقع» در روزنامه مجاز نیست. ولی آقای ابوالقاسم صادق در نامه خود به نامه «مردم» خواستار درج پاسخ می شده است که حاوی مطالب خلاف واقع و اقترا درباره حزب توده ایران است.

(۵) نامه «مردم»، که به موضع اصولی و انقلابی خود اعتماد راسخ دارد، حتی از درج چنین پاسخی پاک ندارد.

(۶) آقای ابوالقاسم صادق مطالب خلاف واقع و اقترا آمیز خود را علیه حزب توده ایران با نام سرپرست حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت ارشاد اسلامی عنوان کرده است. و این نه فقط شایسته یک مقام مسئول جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه برای حیثیت و اعتبار دولت جمهوری اسلامی ایران فوق العاده زیان بخش است.

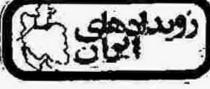
(۷) آیت الله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، در نماز جمعه ۱۲ دیماه ۵۹، بدروستی گفت: «اسلام به ما یاد داده درباره دشمنان هم دروغ نگوئیم، نسبت

به دشمنان هم تهمت و افترا نزنیم، نسبت به دشمنان هم فحش ندهیم»

آقای ابوالقاسم صادق برخوردار خود را با حزب توده ایران، یا این موضع درست آیت الله دکتر بهشتی، چگونه تطبیق میدهند؟

(۸) آقای ابوالقاسم صادق، بعنوان یک مقام مسئول، هنگامی که درباره حزمی، مانند حزب توده ایران، موضعگیری میکنند صرف نظر از هر عقیده ای که شخصاً داشته باشد باید سخنش کاملاً اصولی و مسئولانه باشد، زیرا حزب توده ایران از زمره آن گروههایی نیست که هویت نداشته باشد. آقای ابوالقاسم صادق با حزبی روبرو است که تاریخ ۴۰ ساله روشنی دارد: تاریخ ۴۰ ساله اخیر کشور ما گواه صادق این امر است که گروه های بهترین، شرافتمندترین و مین دوست ترین فرزندان این کشور در صفوف حزب توده ایران در راه استقلال، آزادی و ترقی ایران، بسر ضد امپریالیسم و ارتجاع و بیخاطر سعادت و رفاه زحمتکشان و محرومان رزمیده اند. حزب توده ایران در این راه هزاران نفر قربانی داده و هزاران نفر دیگر از اعضاء آن در زندانها و شکنجه گاهها و تبعید، بهترین سالهای عمر خود را بسر برده اند. تاریخ معاصر مبارزات استقلال طلبانه و آزادیخواهانه مردم کشور ما با نام توده های پیوند ناگسستی دارد.

دوماله پس از انقلاب بزرگ ایران نیز شاهد گویا و غیر قابل انکاری بر پشتیبانی بی دریغ و تا پای جان توده های از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بوده است. صداقت و صمیمیت حزب توده ایران نه در حرف، بلکه در عمل به آزمون گذاشته شده و به ثبوت رسیده است. هم اکنون



کماک نقدی حزب توده ایران - سازمان تنکابن به جبهه جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام

حزب توده ایران - سازمان شهرستان تنکابن، طی نامه ای به دفتر کمیته امداد امام خمینی، میزان کمک نقدی را، که بعنوان کمک به جبهه جنگ ضد امپریالیسم فرستاده است، اعلام کرد. در قسمتی از این نامه آمده:

«به منظور اعلام همبستگی هرچه بیشتر با مردم انقلابی میهن ما، پاسداران جانباز و سلحشور، رزمندگان غیور ارتش جمهوری اسلامی ایران، در این جنگ عادلانه علیه تجاوزگران بعثی و حامیش امپریالیسم آمریکا، حزب توده ایران - سازمان تنکابن، مبلغ ۴۰۰۰ ریال و مقدار ۹ کارتن لباس، یک گونی سیبزمینی، برنج، مقداری قند، لپه، لوبیا و روغن و مقداری ذارو به اقسام چهارگانه پو و چهار قنده زلیو ارسال میدارد»

کمبود امکانات فنی و آزمایشگاهی در شهرستان فنی زاهدان

شهرستان فنی پسران در شهرستان زاهدان، احتیاج به امکانات فنی و آزمایشگاهی در جهت تعلیم هنرجویان در زمینه های مختلف دارد، که هنوز به آن رسیدگی نشده است.

شهرستان فنی شهرستان زاهدان، با حدود بیش از ۶۰۰ کارآموز، از دو قسمت عمده: برق ساختمان و قسمت مکانیک تشکیل شده است. متأسفانه با وجود بودجه نسبتاً زیادی که در اختیار مسئولین استان برای حل این مشکل قرار گرفته، اما تاکنون تحول بنیادی و چشمگیری در سطح شهرستانهای استان درج نشده است. بیشتر شهرستانها با کمبودها و نارسایی های در زمینه کادر و امکانات فنی و آزمایشگاهی مواجه اند.

ما از مسئولین امر مصرانه می طلبیم که امکانات لازم را برای رفع کمبودها در شهرستانهای فنی استان سیستان و بلوچستان هرچه زودتر فراهم کنند

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

تمام مردم ایران برسانند

چه کسی مسئول فرار عناصر ضد انقلابی است؟

حجت الاسلام خلیلی، طی سخنرانی خود در شهر سمنان، در اشاره به «وابستگی امریالیسم و ارتجاع جهانی» که توانستند از ایران بگریزند و خود را از زیر ضربات انقلاب نجات بدهند، و درباره اینکه چه کسانی مسئولیت فرار آنها را به عهده دارند، اظهار داشت:

«آنها به وسیله طرفداران غرب که در دولت وقت بودند، فرار کردند، گذرنامه قلابی درست کردند، مراعاتی نزیه و بختیار را چه کسانی فراری دادند؟»

و می‌دانیم که موضوع به همین جا، به فرار عناصر ضدانقلابی خاتمه نیافت؛ میدانیم که عناصر فراری ضدانقلابی به گروه اویسی‌ها، جسم‌ها، یالیزیانها و دیگر جلازان و دشمنان خلق و انقلاب ایران بیوستند؛ میدانیم که آنها در تدارک جنگ

تجاوزکارانه دارو دسته صدام شرکت مستقیم داشتند؛ میدانیم که آنها بفرمان امریالیسم آمریکا در تمام توطئه‌های ضدانقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت داشته و دارند.

و لذا سؤال مشخص - همانطور که حجت الاسلام خلیلی بدرستی مطرح کرده - اینست:

چرا افکار عمومی مردم ایران نباید بدانند که عناصر ضدانقلابی چگونه و بدست چه کسانی، نه فقط از مجازات سزاوار خود گریخته‌اند، بلکه برای ادامه فعالیت ضدانقلابی خود امکان بدست آورده‌اند؟

امید است که مقامات مملکت، به این سئوالی که بر سر زبان مردم زحمتکش و انقلابی‌مست، پاسخ شایسته بدهند.

رژیم السالوادور در آستانه سقوط است

در السالوادور وضع انقلابی حاکم است. بنا به گزارش‌های رسیده از این کشور، نبردهای شدید در شمال کشور میان رژیم‌های گان‌مینیون‌دوست و نیروهای مزدور ارتش ادامه دارد. مینیون‌دوستان یک شهر دیگر را در این منطقه تصرف کرده‌اند و سربازان ارتش، که از سوی مستشاران نظامی آمریکا رهبری میشوند، یک رشته شکست‌های جدی متحمل شده‌اند. نیروهای دولتی با توجه به این شکست‌ها، دیوانه‌وار افراد غیرنظامی را مورد حمله قرار میدهند و روستاها و شهرهای کوچک را، بدستور مستشاران آمریکائی، وحشیانه بمباران می‌کنند.

از سوی دیگر، جبهه آزادیبخش ملی فارابوندومارتی اعلام کرد که تدارک یک قیام و اعتصاب عمومی آغاز شده است. سرگرد کارلوس تورس، یکی از فرماندهان جبهه، در مصاحبه‌ای با روزنامه «اوتوماس اوتو»، چاپ مکزیکو، گفت:

«جبهه آزادیبخش فارابوندومارتی در حال حاضر ۹۰ درصد سرزمین السالوادور را کنترل میکند و در نواحی آزاد شده، ارگانهای حکومتی انتخابی تشکیل می‌شود. کارگران، کشاورزان، کسبه زحمتکش، دانش‌آموزان و دانشجویان، گروه‌های مسلح تشکیل داده‌اند و به دفاع در برابر حملات وحشیانه مزدوران رژیم پرداخته‌اند.»

کارلوس تورس گفت:

«مستشاران نظامی آمریکا در السالوادور از همان تاکتیکاتی که در ویتنام بکار گرفته شده، استفاده می‌کنند و روستاییان یگانه را با هلی‌کوپتر و هواپیما زیر آتش می‌گیرند. بر اثر این حملات وحشیانه دهها هزار نفر آواره شده‌اند.»

تلگرام جامعه روحانیت خوزستان به حضرت آیت الله منتظری: گله‌مندی شما از کم‌تحرکی و یارکود جبهه‌ها منعکس کننده فریاد رزمندگان این جبهه بود

از طرف جامعه روحانیت خوزستان تلگرامی برای فقیه عالیقدر حضرت آیت الله منتظری مخاطب شده.

در این تلگرام از جمله آمده است: «قیام تسلی‌بخش حضرت عالی که متضمن همدردی آن حضرت با مردم شهبین‌روزها و گله‌مندی از کم‌تحرکی و یارکود جبهه‌های اسلام بود، از آنجا که بیانگر خواستها و دردهای محرومان این استان و منعکس‌کننده فریاد رزمندگان این جبهه بوده، موجب امتنان جامعه روحانیت گردید و

روزنه امیدی برای ما ویرسئل ارتش و سپاه پاسداران گشوده. مردم این خطه به ویژه رزمندگان دلیر که مبارزات قهرمانانه و فداکاری‌های آنان در تاریخ کم‌ظنیر است، با مراجعات مکرر از حالت رکود و عدم صدور فرمان تهاجم ابراز نارضایتی کرده‌اند. بسیار بیجا است که آن مجاهد نستوه که همواره در متن قضایا و در جریان دقیق اوضاع جبهه‌ها و مشکلات آن - یوده و ضمن تماس با اقشار مختلف ارتش و

از افسران و درجه‌داران و سربازان و سپاه پاسداران از نزدیک با درد دلها و خواستهای آنها آشنا شدماید، اطلاعات خود را به عرض امامت و رهبر کبیر انقلاب برسانید.

«اکنون نسبت آرزوی ملت شریف و شهبین‌روز ایران است که هر چه زودتر در مورد این مهم که سرنوشته استاملاسی در گرو آن است، تصمیمی قاطع و شایسته انقلاب اسیل اسلامی در خط رهبری امام اتخاذ گردد.»



کنگره فوق العاده «مپلا» برنامه پیشرفت آنکولا را بسوی سوسیالیسم تصویب کرد

خوزه ادواردو دوش سانتوش، یار دیگر بعنوان صدر «مپلا - حزب کار آنکولا»، انتخاب شد.

در اولین کنگره فوق العاده «مپلا - حزب کار» که در لواندا پایتخت آنکولا برگزار شده، وظایف ساختمان اجتماعی و اقتصادی آنکولا مورد بحث قرار گرفت و چشم‌اندازهای آینده تشریح شد. ۴۶۴ نماینده‌ای که از سراسر آنکولا در این کنگره شرکت داشتند، تصویب کردند که در حل و فصل مسائل اقتصادی - اجتماعی توجه اصلی به کارآئی برنامه‌ریزی و بالابردن سطح کارآئی تولید و بهره‌وری کار معطوف شود.

کنگره تأیید کرد که بالابردن سطح زندگی زحمتکشان از جمله مهمترین وظایف است و تدابیر مشخص در این زمینه در کنگره اتخاذ شد.

در پایان کار کنگره قطعنامه‌ای تصویب شد که در آن «مپلا - حزب کار آنکولا» به نمایندگی از سوی خلق آنکولا، از تمامی کشورهای دوست و در درجه اول اتحاد شوروی و کوبا، بظلمت کنگ و حمایت انترناسیونالیستی آنها، سپاسگزاری کرده است.

در قطعنامه نقش قاطع نیروهای مسلح خلق برای آزادی آنکولا (فایلا) در دفاع از دستاوردهای انقلابی، حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری خلق آنکولا و درهم‌شکستن تجاوزات مداوم رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی مورد تأیید قرار گرفته است. نمایندگان کنگره یار دیگری به اتفاق آراء خوزه ادواردو دوش سانتوش را یار دیگر بعنوان صدر حزب انتخاب کردند.

خوزه ادواردو دوش سانتوش در سخنرانی خود در پایان کنگره به اهمیت تاریخی کنگره در حل و فصل وظایف بازسازی ملی-ساختمانی سوسیالیسم در آنکولا اشاره کرد و گفت: «برگزاری کنگره یک پیروزی دیگر حزب و زحمتکشان آنکولا بر نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی است. مپلا - حزب کار، اصول مارکسیسم - لنینیسم را با توجه به واقعیت‌های موجود آنکولا در تمام فعالیت‌های خود که هدف از آن ساختمان سوسیالیسم در جمهوری خلق آنکولا است، راهنمای خود قرارداده و برای تحکیم دوستی و همکاری با همه دوستان واقعی و طبیعی خود یعنی جامعه کشورهای سوسیالیستی تلاش خواهند کرد.»

مذاکرات هیئت‌های اقتصادی لهستان و شوروی

یک هیئت اقتصادی لهستان به ریاست مینچولاویا گسلی، معاون نخست‌وزیر لهستان، در مسکو با مقام‌های اقتصادی شوروی درباره مسائل مورد علاقه دو کشور مذاکراتی انجام داد.

در این مذاکرات بویژه روابط اقتصادی در سال جدید مسیحی و هماهنگی طرح‌های پنج‌ساله عمرانی ۱۹۸۵-۱۹۸۱ مورد توجه قرار گرفت.

چین به رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی نفق می‌فرود شد

روزنامه «استار» چاپ اوگاندا، اعلام کرد که چین و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی آماده میشوند که یک قرارداد درازمدت در مورد تحویل نفت به آفریقای جنوبی امضاء کنند. این روزنامه ضمن اشاره به این مسئله که،

جامعه جهانی خواستار مجازات اقتصادی رژیم آفریقای جنوبی شده است، نوشت که رهبران چین ریاکارانه از مبارزه علیه تبعیض نژادی سخن می‌گویند، اما با توجه به همکاری‌های چین با نژادپرستان، این سخنان رهبران چین، بیش از پیش مشرک‌کننده بنظر میرسد.

مردم «بلیز» خواهان استقلال کشور خود هستند

در اوایل پاییز اسام مذاکرات جدیدی، که میان بریتانیا و گواتمالا درباره استقلال بلیز در نیویورک صورت گرفت، بویژه برائت موضوع انعطاف‌ناپذیر رژیم نظامی - دیکتاتوری گواتمالا، با شکست پایان یافت.

بلیز کشوری است در کارائیب، با مساحت ۲۲۹۶۵ کیلومتر مربع و جمعیت ۱۵۰ هزار نفر. این کشور، که هنوز مستعمره بریتانیاست، از خودگردانی داخلی برخوردار است. لیکن گواتمالا، که خود را وارث حقوقی اسپانیا میدانند، نسبت به این کشور دعوی ارضی دارد. دولت دیکتاتور لوگاس تهدید کرده است، که چنانچه لندن بدون اجازه گواتمالا استقلال بلیز را بپذیرد، گواتمالا به مداخله نظامی دست خواهد زد.

بلیز، که تا سال ۱۳۵۲ هندوراس بریتانیا نامیده میشد، صدو بیست و یکسال است که به موجب قراردادی میان گواتمالا و بریتانیا در مرز-

بلیز کشوری است در کارائیب، با مساحت ۲۲۹۶۵ کیلومتر مربع و جمعیت ۱۵۰ هزار نفر. این کشور، که هنوز مستعمره بریتانیاست، از خودگردانی داخلی برخوردار است. لیکن گواتمالا، که خود را وارث حقوقی اسپانیا میدانند، نسبت به این کشور دعوی ارضی دارد. دولت دیکتاتور لوگاس تهدید کرده است، که چنانچه لندن بدون اجازه گواتمالا استقلال بلیز را بپذیرد، گواتمالا به مداخله نظامی دست خواهد زد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

خان بیهوده‌ها زین کدیم
خان خراب کدیم آباو

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!
ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما چهلین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را در خانخیز بر گزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب یکمک مال شمانیاژ مندیم. کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه تسهیل قرضی شمالی بپردازید.
توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

ع. پ. ۳۹۰۰۰۰ ریال
م. ش. ف. از چالوس ۱۰۰۰۰۰ ریال

پرسش و پاسخ
شماره ۱۹
منتشر شد

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بیزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 411
4 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۹
۱۴ پستی تهران